

## فهرست

### واژگان

بخش  
۵  
نمونه

#### درس اول

۷۸	بسته ۱: معنی کلمات
۸۴	بسته ۲: کلمات مترادف
۸۵	بسته ۳: کلمات متضاد
۸۷	بسته ۴: جمع مکسر
۸۹	بسته ۵: انواع اسم

#### درس دوم

۹۱	بسته ۱: معنی کلمات
۹۷	بسته ۲: کلمات مترادف
۹۸	بسته ۳: کلمات متضاد
۹۹	بسته ۴: جمع مکسر
۱۰۱	بسته ۵: انواع اسم

#### درس سوم

۱۰۳	بسته ۱: معنی کلمات
۱۰۸	بسته ۲: کلمات مترادف
۱۰۹	بسته ۳: کلمات متضاد
۱۱۰	بسته ۴: جمع مکسر
۱۱۲	بسته ۵: انواع اسم

#### درس چهارم

۱۱۵	بسته ۱: معنی کلمات
۱۲۰	بسته ۲: کلمات مترادف
۱۲۱	بسته ۳: کلمات متضاد
۱۲۲	بسته ۴: جمع مکسر
۱۲۴	بسته ۵: انواع اسم

### ترجمه فعل

بخش  
۱  
نمونه

۶	قسمت ۱: کادرهای آموزشی
۱۸	قسمت ۲: تمرین کتاب درسی
۲۱	قسمت ۳: سوالات امتحانی ترکیبی

### ترجمه و درک مطلب

بخش  
۱۰  
نمونه

#### درس اول

۲۴	بسته ۱: متن درس
۲۹	بسته ۲: إعلموا
۳۲	بسته ۳: تمرین

#### درس دوم

۳۷	بسته ۱: متن درس
۴۲	بسته ۲: إعلموا
۴۴	بسته ۳: تمرین

#### درس سوم

۵۰	بسته ۱: متن درس
۵۷	بسته ۲: إعلموا
۵۹	بسته ۳: تمرین

#### درس چهارم

۶۳	بسته ۱: متن درس
۶۸	بسته ۲: إعلموا
۷۰	بسته ۳: تمرین

## پاسخ نامه تشریحی

۱۶۰	بخش ۱: ترجمه فعل
۱۶۱	بخش ۲: ترجمه و درک مطلب
۱۷۲	بخش ۳: واژگان
۱۸۶	بخش ۴: قواعد
۱۹۱	بخش ۵: تحلیل صرفی و محل اعرابی

## امتحان نهایی

۱۹۶	آزمون ۱: شهریور ماه ۱۴۰۰
۱۹۸	آزمون ۲: دی ماه ۱۴۰۰
۲۰۰	آزمون ۳: خرداد ماه ۱۴۰۱
۲۰۲	آزمون ۴: شهریور ماه ۱۴۰۱
۲۰۴	آزمون ۵: دی ماه ۱۴۰۱
۲۰۶	پاسخ نامه تشریحی آزمون ۱ تا ۵

## قواعد

درس اول	
۱۲۶	بسته ۱: حروف مشبّهة بالفعل
۱۲۹	بسته ۲: (لا)ی نفی جنس
درس دوم	
۱۳۲	بسته ۱: حال (قید حالت)
۱۳۶	بسته ۲: نکات ترجمه
درس سوم	
۱۳۷	بسته ۱: ادات استثناء
۱۳۹	بسته ۲: نکات ترجمه
درس چهارم	
۱۴۰	بسته ۱: مفعول مطلق تأکیدی و نوعی
۱۴۲	بسته ۲: نکات ترجمه

## تحلیل صرفی و اعراب

۱۴۴	قسمت ۱: تحلیل صرفی
۱۴۷	قسمت ۲: محل اعرابی
۱۵۱	قسمت ۳: سؤالات درس به درس

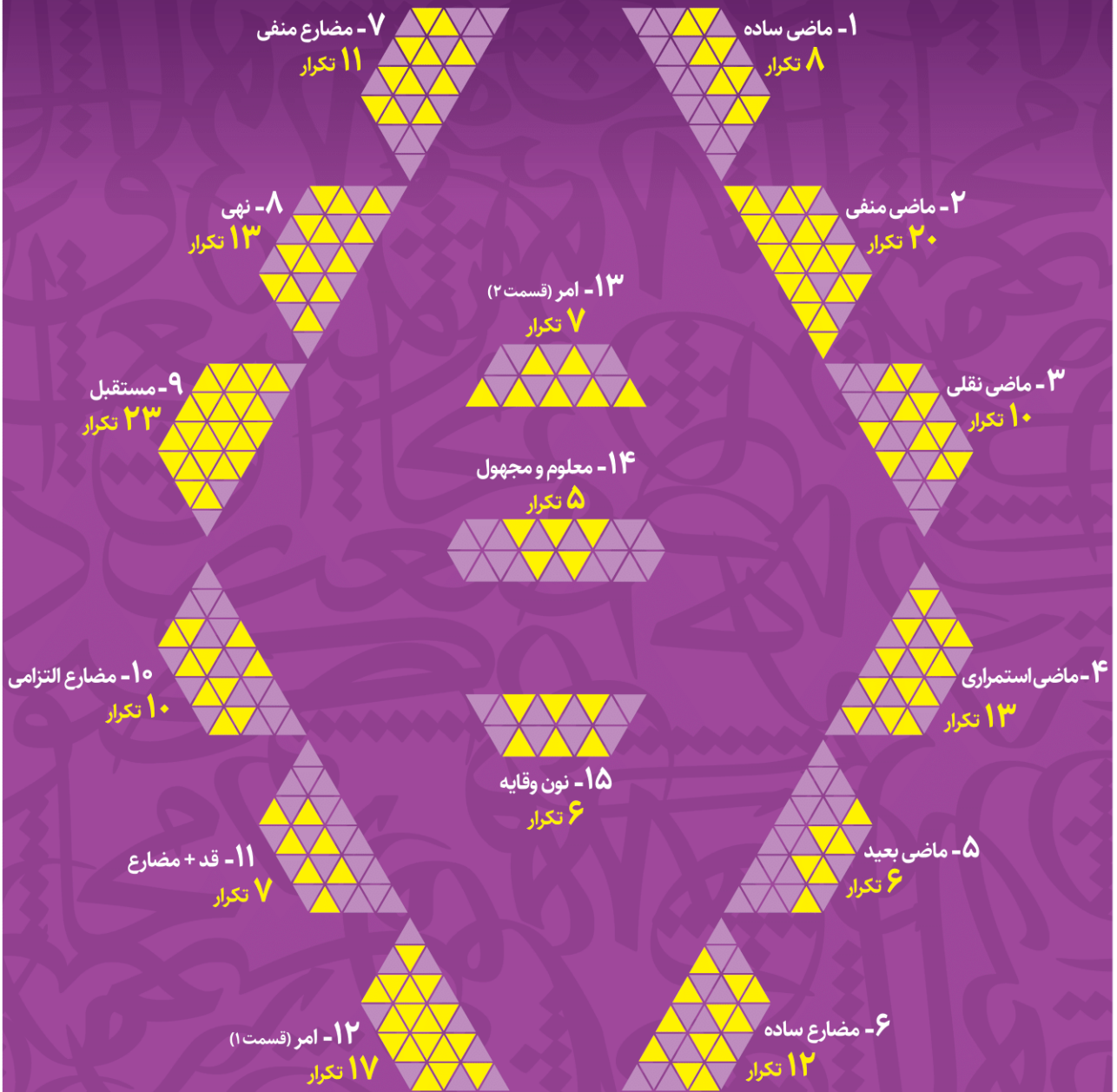
## شب امتحان

نوبت دوم

نوبت اول

بخش ۱	بخش ۲	بخش ۳	بخش ۴	بخش ۵
نمره ۲	نمره ۱۰	نمره ۵	نمره ۲۵/۱	نمره ۷۵/۱

# ترجمه فعل



# قسمت

## کادرهای آموزشی

همان‌طور که می‌دانید در بخش بودجه‌بندی امتحانات نهایی عربی شما عزیزان، دو نمره به بخش ترجمهٔ انواع فعل اختصاص یافته است؛ بنابراین باید با انواع آن و ترجمه هریک آشنا شوید. در این قسمت همهٔ نکات مربوط به ترجمهٔ فعل را در ۱۵ کادر همراه با سؤالات امتحانی آورده‌ایم.

### ایستگاه سؤال

#### تَرْجِمِ الْأَفْعَالِ التَّالِيَةَ:

۱. جَلَسَ (نشست) ← هِيَ جَلَسَتْ هُنَاكَ. (خرداد ۱۴۰۰)
۲. كَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← كَاتَبُوا. (دی خارج ۹۹)
۳. قَطَعَ (برید) ← قَطَعَ يَدَهُ. (شهریور ۹۸)
۴. سَاعَدَ (کمک کرد) ← أَنَا سَاعَدْتُ. (شهریور ۹۹)

#### إِنْتِخِبِ الصَّحِيحَ:

۵. الفائزة الأولى في المباراة علم إيران. (دی خارج ۱۴۰۰)
  - ۱ رَفَعَ
  - ۲ رَفَعَتْ
  - ۳ رَفَعَتِ
۶. نَحْنُ ..... بَيْنًا جَمِيلًا مِنَ الْحَسَبِ. (خرداد ۹۸)
  - ۱ صَنَعْنَا
  - ۲ صَنَعْتُ
  - ۳ صَنَعُوا
۷. الطَّالِبَاتُ فِي الْإِمْتِحَانِ ..... (دی ۹۸)
  - ۱ نَجَّحَتْ
  - ۲ نَجَّحَ
  - ۳ نَجَّحْنَ
۸. إِنَّا نَحْنُ ..... عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا. (دی خارج ۹۹)
  - ۱ نَزَّلْتُ
  - ۲ نَزَّلْنَا
  - ۳ نَزَّلُوا

### پاسخ سؤالات

۱. نشست
۲. نامه‌نگاری کردند
۳. برید
۴. من کمک کردم
۵. گزینهٔ «۳»: با توجه به «الفائِزَةُ» که مفرد مؤنث غایب است فعل «رَفَعَتْ» صحیح می‌باشد. (برندهٔ اول پرچم ایران را در مسابقه بالا برد.)
۶. گزینهٔ «۱»: با توجه به ضمیر «نَحْنُ» فعل در صیغهٔ اول شخص جمع (متکلم مع‌الغیر) می‌آید. (ما خانه‌ای زیبا از چوب ساختیم.)
۷. گزینهٔ «۱»: با توجه به «الطَّالِبَاتُ» فعل در ابتدای عبارت مفرد مؤنث می‌آید. (دانش‌آموزان در امتحان موفق شدند.)
۸. گزینهٔ «۲»: با توجه به «نَحْنُ» فعل ماضی «نَزَّلْنَا» صحیح است. (به درستی که ما قرآن را بر تو قطعاً نازل کردیم.)

### ماضی ساده



• فعلی است که بر انجام‌دادن کاری یا روی دادن حالتی در زمان گذشته دلالت می‌کند.

◀ كَتَبَ (نوشت)، رَجَعُوا (بازگشتند) و ...

• برای تشخیص فعل ماضی و شناختِ آسان آن بهتر است به شناسه‌هایی که در آخر فعل می‌آید توجه کنید تا با شناخت آن‌ها فعل را در صیغهٔ مناسب خود، ترجمه کنید، بنابراین به جدول زیر خوب دقت کنید.

فعل ماضی	شناسه	ضمیر	ترجمه
جَلَسْتُ	تُ	أنا (من)	نشستم
جَلَسْتَ	تَ	أنتَ (تو)	نشستی
جَلَسْتِ	تِ	أنتِ (تو)	
جَلَسْنَا	نا	نَحْنُ (ما)	نشستیم
جَلَسْتُمَا	تُمَا	أنتُمَا (شما)	نشستید
جَلَسْتُمْ	تُمْ	أنتُمْ (شما)	
جَلَسْتُنَّ	تُنَّ	أنتُنَّ (شما)	
جَلَسَا	ا	هُمَا	نشستند
جَلَسْتَا	ا	هُمَا	
جَلَسُوا	و	هُمْ	
جَلَسْنَ	نَ	هُنَّ	

◀ برای ضمیر «هُوَ: او» فعل ماضی بدون شناسه (جَلَسَ: نشست) و برای ضمیر «هِيَ: او» حرف «ث» نشانهٔ مؤنث بودن فعل است. (جَلَسْتُ: نشست)

پاسخ سؤالات

۱. فرا نگرفت (لم + يَتَعَلَّمُ ← لَمْ يَتَعَلَّمْ ماضی منفی))
۲. آموزش نخواست (ما + اِسْتَعْفَرْتُ ← ما اِسْتَعْفَرْتُ ماضی منفی))
۳. یاد نکردید (ما + ذَكَرْتُمْ ← ما ذَكَرْتُمْ ماضی منفی))
۴. به یاد نیاوردید (ما + تَذَكَّرْتُمْ ← ما تَذَكَّرْتُمْ ماضی منفی))
۵. نفرستاد (ما + اَرْسَلَ ← ما اَرْسَلَ ماضی منفی))
۶. ندید، مشاهده نکرد (لم + يَشَاهِدُ ← لَمْ يَشَاهِدْ ماضی منفی))
۷. تلاش نکرد (ما + اِجْتَهَدْتُ ← ما اِجْتَهَدْتُ ماضی منفی))
۸. یاد ندادید (ما + عَلَّمْتَنِي ← ما عَلَّمْتَنِي ماضی منفی))
۹. نجات نداد (لم + يُنْقِذُ ← لَمْ يُنْقِذْ ماضی منفی))
۱۰. تلاش نکرد (لم + يَجْتَهِدُ ← لَمْ يَجْتَهِدْ ماضی منفی))
۱۱. نزدند (لم + يَضْرِبْنَ ← لَمْ يَضْرِبْنَ ماضی منفی))
۱۲. تعمیر نکرد (لم + يُصَلِّحُ ← لَمْ يُصَلِّحْ ماضی منفی))
۱۳. سخن نگفتند (لم + يَتَكَلَّمْنَ ← لَمْ يَتَكَلَّمْنَ ماضی منفی))
۱۴. کمک نکردند (لم + يُسَاعِدُونَ ← لَمْ يُسَاعِدُوا ماضی منفی))
۱۵. تشویق نکردند (لم + يُسَبِّحْنَ ← لَمْ يُسَبِّحْنَ ماضی منفی))
۱۶. نشانند (لم + يُجْلِسُونَ ← لَمْ يُجْلِسُوا ماضی منفی))
۱۷. نفرستادند (لم + يُرْسِلُونَ ← لَمْ يُرْسِلُوا ماضی منفی))
۱۸. به یاد نیاوردم (ما + تَذَكَّرْتُ ← ما تَذَكَّرْتُ ماضی منفی))
۱۹. گزینه «۲»: مشاهده نکردم (ما + شَاهَدْتُ ← ما شَاهَدْتُ ماضی منفی))
۲۰. نیامرزد (لم + يَغْفِرُ ← لَمْ يَغْفِرْ ماضی منفی))

ماضی منفی

۲۰ تکرار

• فعل ماضی با حرف «ما» منفی می شود.  
 < Rَجَعَ (بازگشت) منفی ما رَجَعَ (بازنگشت)

ما + ماضی ← ماضی منفی

• فعل مضارع نیز با آمدن حرف «لم» بر سر آن ماضی منفی ترجمه می شود.  
 < لَمْ + يَذْهَبُ ← لَمْ يَذْهَبْ (نرفت)

لم + فعل مضارع ← ماضی منفی

< توجه داشته باشید که دو حرف «لم» و «لَمْ» را با هم اشتباه نگیرید، «لَمْ» وقتی قبل از فعل مضارع بیاید معنای آن را به ماضی منفی تبدیل می کند، ولی «لَمْ» مخفف «لِمَاذَا» به معنای «چرا، برای چه» کلمه پرسشی است.

لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَقُولُونَ؟	چرا می گوید آن چه را که انجام نمی دهید؟
«أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»	آیا ندانست که خدا می بیند؟ ماضی منفی
لَمْ يَأْتِ بِشَيْءٍ؟	چرا به تکالیفات عمل نکردید؟

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالفة:

۱. تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← الكِسْلَانُ لَمْ يَتَعَلَّمِ الدُّرُسَ. (دی ۱۴۰۱)
  ۲. اِسْتَعْفَرَ (آموزش خواست) ← هِيَ مَا اِسْتَعْفَرَتْ. (شهریور ۹۹)
  ۳. ذَكَرَ (یاد کرد) ← اَنْتُمْ مَا ذَكَرْتُمْ صَدِيقَكُمْ. (شهریور ۱۴۰۰)
  ۴. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← ما تَذَكَّرْتُمْ صَدِيقَكُمْ. (دی ۱۴۰۰)
  ۵. اَرْسَلَ (فرستاد) ← ما اَرْسَلْنَا. (دی ۹۹)
  ۶. شَاهَدَ (دید) ← لَمْ يَشَاهِدْ شَيْئًا. (خرداد ۹۹)
  ۷. اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← هِيَ مَا اِجْتَهَدَتْ. (خرداد ۹۹)
  ۸. عَلَّمَ (یاد داد) ← ما عَلَّمْتَنِي. (دی خارج ۱۴۰۰)
  ۹. اَنْقَذَ (نجات داد) ← هُوَ لَمْ يُنْقِذْ شَخْصًا. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
  ۱۰. اِجْتَهِدَ (تلاش کرد) ← لَمْ يَجْتَهِدْ فِي عَمَلِهِ. (خرداد ۱۴۰۰)
  ۱۱. صَرَبَ (زد) ← لَمْ يَضْرِبْنِي. (دی خارج ۹۹)
  ۱۲. صَلِّحَ (تعمیر کرد) ← هُوَ لَمْ يُصَلِّحْ جِرَارَتَهُ. (شهریور ۱۴۰۰)
  ۱۳. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← لَمْ يَتَكَلَّمْ. (دی خارج ۱۴۰۰)
  ۱۴. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُمْ لَمْ يُسَاعِدُوا. (دی خارج ۱۴۰۰)
  ۱۵. سَبَّحَ (تشویق کرد) ← لَمْ يُسَبِّحْنِي. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
  ۱۶. اَجْلَسَ (نشاند) ← هُمْ لَمْ يُجْلِسُوا التَّلَامِيذَ. (دی ۹۸)
  ۱۷. اَرْسَلَ (فرستاد) ← لَمْ يُرْسِلُوا وَاجِبَاتِهِمْ. (خرداد ۱۴۰۱)
  ۱۸. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← ما تَذَكَّرْتُ صَدِيقَكَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
  ۱۹. مَشَاهَدْتُ فِي الْمَكْتَبَةِ إِلَّا فَاطِمَةَ. (دی ۹۷)
- ۱) مشاهده می کردم  
 ○ ۲) مشاهده نکردم  
 ○ ۳) مشاهده نمی کنم  
 ○ ۲۰. غَفَرَ (آمرزد) ← لَمْ يَغْفِرْ. (آذر ۱۴۰۱)

ماضی نقلی

۱۰ تکرار

• به فعلی گفته می شود که در زمان گذشته آغاز شده و اثر آن تا زمان حال باقی مانده است.  
 • برای ساخت فعل ماضی نقلی از فرمولی استفاده می کنیم که در آن کلمه «قَدْ» به ابتدای فعل ماضی اضافه می شود.  
 < قَدْ + ذَهَبَ ماضی نقلی ← قَدْ ذَهَبَ

قَدْ + ماضی ← ماضی نقلی

• فعل ماضی نقلی با فرمول «ماضی ساده + ه + شناسه (آم، ای، است، ایپم، اید، اند) ترجمه می شود.  
 < قَدْ عَلِمَ ← دانسته است / قَدْ عَلِمْتُ ← دانسته ام  
 < فعل ماضی نقلی منفی با آمدن حرف «لَمْ» بر سر فعل مضارع ساخته می شود.  
 (پس یادتون باشه ترکیب «لم + فعل مضارع» می تونه هم ماضی منفی ترجمه بشه و هم ماضی نقلی منفی)

< لَمْ يَعْلَمُوا ترجمه  
 ۱) ندانستند (ماضی منفی)  
 ۲) ندانسته اند (ماضی نقلی منفی)

ایستگاه سؤال

ترجمه	فعل مضارع	شکل های «کان»
می رفت	يَذْهَبُ تَذْهَبُ	۱. كَانُ +
		۲. كَانَتْ
می رفتند	يَذْهَبَانِ تَذْهَبَانِ يَذْهَبُونَ يَذْهَبْنَ	۳. كَانَا +
		۴. كَانَتَا
		۵. كَانُوا +
		۶. كُنْنَ
می رفتی	تَذْهَبُ تَذْهَبِينَ	۷. كُنْتَ +
		۸. كُنْتِ
می رفتید	تَذْهَبَانِ تَذْهَبُونَ تَذْهَبْنَ	۹. كُنْتُمَا +
		۱۰. كُنْتُمْ +
		۱۱. كُنْتُنَّ
می رفتم	أَذْهَبُ +	۱۲. كُنْتُ
می رفتیم	نَذْهَبُ +	۱۳. كُنَّا

فعل ماضی در ساختار «لَبِثَ + فعل ماضی» نیز، ماضی استمراری ترجمه می شود.

لَبِثَ مُحَمَّدًا نَصْرَ صَدِيقِهِ. ← کاش محمد دوستش را یاری می کرد.

البته در ساختار «لَبِثَ + فعل ماضی» فعل ماضی، ماضی بعید هم ترجمه می شه تو کادر بعدی براتون توضیح دادم پس هر دوتاش درسته.

فعل مضارع در ساختار «فعل ماضی + اسم نکره + فعل مضارع» نیز به صورت ماضی استمراری ترجمه می شود.

شَاهِدْتُ طِفْلاً يَلْعَبُ. ← کودکی را دیدم که بازی می کرد.

ماضی + نکره + مضارع

شَاهِدْتُ الطِّفْلَ يَلْعَبُ. ← کودک را دیدم درحالی که بازی می کرد.

ماضی + معرفه + مضارع

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

- جَلَسَ (نشست) ← كَانِ يَجْلِسُ عَلَى الْأَرْضِ. (خرداد ۱۴۰۰)
- عَلِمَ (دانست) ← كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
- كَاتَبَ (نامه نگاری کرد) ← كَانَا يُكَاتِبَانِ. (دی خارج ۹۹)
- قَطَعَ (برید) ← كَانُوا يَقْطَعُونَ. (شهریور خارج ۹۸)
- اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← كَانُوا يَجْتَهِدُونَ. (خرداد خارج ۹۹)
- تَقَرَّبَ (نزدیک شد) ← كَانِ يَتَقَرَّبُ. (دی ۹۹)
- تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← كَانُوا يَتَكَلَّمُونَ بِسُرْعَةٍ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
- عَمِلَ (عمل کرد) ← كُنْتَ تَعْمَلُ. (دی خارج ۱۴۰۰)
- إِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← الطَّالِبُ كَانِ يَمْتَنِعُ عَنِ النَّوْمِ. (خرداد ۱۴۰۱)
- صَلَحَ (تعمیر کرد) ← كَانُوا يُصَلِّحُونَ السَّيَّارَةَ. (شهریور ۱۴۰۱)
- عَامَلَ (رفتار کرد) ← كَانُوا يُعَامِلُونَ جَيِّدًا. (شهریور ۹۹)

ترجمه الأفعال التالية:

- عَفَرَ (آمرزید) ← قَدْ عَفَرَ اللَّهُ عَبْدَهُ. (آذراه ۱۴۰۰ - دی ۱۴۰۰)
- إِسْتَعْفَرَ (آمرزش خواست) ← أَنْتُمْ قَدْ اسْتَعْفَرْتُمْ. (شهریور ۹۹)
- عَلَّمَ (یاد داد) ← قَدْ عَلَّمْتَ. (دی خارج ۹۹)
- تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← إِنَّا قَدْ تَكَلَّمْنَا مَعَ الطَّبِيبِ عَنِ مَرَضِهِ. (خرداد ۹۸)
- تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← قَدْ تَذَكَّرْتَ. (خرداد خارج ۹۸)
- أَرْسَلَ (فرستاد) ← قَدْ أَرْسَلَ. (خرداد خارج ۹۹)
- إِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← قَدْ إِمْتَنَعْتَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
- عَامَلَ (رفتار کرد) ← قَدْ عَامَلْتَ جَيِّدًا. (دی ۹۸)
- عَمِلَ (عمل کرد) ← قَدْ عَمِلْتَ. (دی خارج ۱۴۰۰)
- أَرْسَلَ (فرستاد) ← هُوَ قَدْ أَرْسَلَ الْخَبَرَ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)

پاسخ سؤالات

- آمرزیده است (قَدْ + عَفَرَ ← ماضی نقلی)
- آمرزش خواسته‌اید (قَدْ + اسْتَعْفَرْتُمْ ← ماضی نقلی)
- یاد داده‌ای (قَدْ + عَلَّمْتَ ← ماضی نقلی)
- سخن گفته‌ایم (قَدْ + تَكَلَّمْنَا ← ماضی نقلی)
- به یاد آورده‌ای (قَدْ + تَذَكَّرْتَ ← ماضی نقلی)
- فرستاده است (قَدْ + أَرْسَلَ ← ماضی نقلی)
- خودداری کرده است (قَدْ + إِمْتَنَعْتَ ← ماضی نقلی)
- رفتار کرده‌ای (قَدْ + عَامَلْتَ ← ماضی نقلی)
- عمل کرده‌ام (قَدْ + عَمِلْتُ ← ماضی نقلی)
- فرستاده است (قَدْ + أَرْسَلَ ← ماضی نقلی)



- به فعلی گفته می شود که در گذشته چند بار تکرار شده است.
- می نوشتم، می آمدند، می خوردید و ...
- فعل ماضی استمراری با اضافه کردن صیغه‌های ماضی فعل «کان» به قبل از صیغه‌های فعل مضارع ساخته می شود.

کان + فعل مضارع ← ماضی استمراری

- فعل ماضی استمراری با فرمول «می + ماضی ساده» ترجمه می شود.
- کان یَعْلَمُ ترجمه می دانست
- به شکل های مختلف فعل «کان» به همراه فعل مضارع و ترجمه آن ها در جدول بعد دقت کنید.

ترجمه	ماضی بعید
رفته بود	۱. كَانَ (قَدْ) ذَهَبَ
	۲. كَانَتْ (قَدْ) ذَهَبَتْ
	۳. كَانَا (قَدْ) ذَهَبَا
رفته بودند	۴. كَانْتَا (قَدْ) ذَهَبْتَا
	۵. كَانُوا (قَدْ) ذَهَبُوا
	۶. كُنَّ (قَدْ) ذَهَبْنَ
رفته بودی	۷. كُنْتَ (قَدْ) ذَهَبْتَ
	۸. كُنْتِ (قَدْ) ذَهَبْتِ
رفته بودید	۹. كُنْتُمَا (قَدْ) ذَهَبْتُمَا
	۱۰. كُنْتُمْ (قَدْ) ذَهَبْتُمْ
	۱۱. كُنْتُنَّ (قَدْ) ذَهَبْتُنَّ
رفته بودم	۱۲. كُنْتُ (قَدْ) ذَهَبْتُ
رفته بودیم	۱۳. كُنَّا (قَدْ) ذَهَبْنَا

فعل ماضی در ساختار «لَیْتَ + فعل ماضی» را نیز می‌توان به صورت ماضی بعید ترجمه کرد. (تو کادر ۴ گفتیم هم ماضی استمراری و هم ماضی بعید، هر دو تاش درسته.)

لَیْتَ التَّلْمِیذِ ابْتَعَدَ عَنِ الْكَسْلِ. ← کاش دانش آموز از تنبلی دوری کرده بود. (دوری می‌کرد.)

### لَیْتَ + ماضی ← ماضی بعید

فعل ماضی در ساختار «فعل ماضی + فعل ماضی» نیز به صورت ماضی بعید (یا ماضی ساده) ترجمه می‌شود.

شَاهَدْتُ صَدِیقًا سَاعَدَنِي فِي الدَّرْسِ. ← دوستی را دیدم که به من در درس ها کمک کرده بود. (کمک کرد) ماضی بعید

### ایستگاه سؤال

#### ترجمه الأفعال التالیة:

- کَتَبَ (نوشت) ← التَّلْمِیذَاتُ كُنَّ قَدْ كَتَبْنَ دُرُوسَهُنَّ. (دی ۱۴۰۱)
- إِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← كَانَ قَدْ اِمْتَنَعَ. (آذر ۱۴۰۱ - خرداد ۹۹)
- تَقَاعَدَ (بازنشسته شد) ← هُوَ كَانَ قَدْ تَقَاعَدَ. (شهریور ۹۹)
- رَخَّصَ (ارزان شد) ← أَسْعَاؤُ الْبِضَایِعِ كَانَتْ قَدْ رَخَّصَتْ بَعْدَ التَّخْفِیضِ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
- جَعَلَ (قرار داد) ← كُنَّ قَدْ جَعَلْنَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
- تَكَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← لَیْتَهُمْ تَكَاتَبُوا. (شهریور خارج ۹۸)

### پاسخ سؤالات

- نوشته بودند (كُنَّ + قَدْ + فعل ماضی (كَتَبْنَ) ← ماضی بعید)
- خودداری کرده بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (اِمْتَنَعَ) ← ماضی بعید)
- بازنشسته شده بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (تَقَاعَدَ) ← ماضی بعید)
- ارزان شده بود (كَانَتْ + قَدْ + فعل ماضی (رَخَّصَتْ) ← ماضی بعید)
- قرار داده بودند (كُنَّ + قَدْ + فعل ماضی (جَعَلْنَ) ← ماضی بعید)
- نامه‌نگاری کرده بودند، نامه‌نگاری می‌کردند (لَیْتَ + فعل ماضی (تَكَاتَبُوا) ← ماضی بعید / ماضی استمراری)

(خرداد خارج ۹۸)

۱۲. لَیْتَ نَاصِرًا ابْتَعَدَ عَنِ الْكَسْلِ.

- (۱) دوری کرده است
- (۲) دوری می‌کرد
- (۳) دوری خواهد کرد

(دی خارج ۱۴۰۰)

۱۳. قَطَعَ (بُرید) ← كَانَا يَقْطَعَانِ الشَّجْرَةَ.

### پاسخ سؤالات

- می‌نشست (كَانَ + فعل مضارع «يَجْلِسُ» ← ماضی استمراری)
- می‌دانستید (كُنْتُمْ + فعل مضارع «تَعْلَمُونَ» ← ماضی استمراری)
- با یکدیگر نامه‌نگاری می‌کردند (كانا + فعل مضارع «يُكَاتِبَانِ» ← ماضی استمراری)
- می‌بُریدند (كانوا + فعل مضارع «يَقْطَعُونَ» ← ماضی استمراری)
- تلاش می‌کردند (كانوا + فعل مضارع «يَجْتَهِدُونَ» ← ماضی استمراری)
- نزدیک می‌شد (كَانَ + فعل مضارع «يَتَقَرَّبُ» ← ماضی استمراری)
- سخن می‌گفتند (كانوا + فعل مضارع «يَتَكَلَّمُونَ» ← ماضی استمراری)
- عمل می‌کردی (كُنْتَ + فعل مضارع «تَعْمَلُ» ← ماضی استمراری)
- خودداری می‌کرد (كَانَ + فعل مضارع «يَمْتَنِعُ» ← ماضی استمراری)
- تعمیر می‌کردند (كانوا + فعل مضارع «يُصَلِّحُونَ» ← ماضی استمراری)
- رفتار می‌کردند (كانوا + فعل مضارع «يُعَامِلُونَ» ← ماضی استمراری)
- گزینه «۲»: دوری می‌کرد (لَیْتَ + فعل ماضی «ابْتَعَدَ» ← ماضی استمراری)
- می‌بُریدند (كانا + فعل مضارع «يَقْطَعَانِ» ← ماضی استمراری)

### ماضی بعید

• به فعلی گفته می‌شود که در گذشته دور انجام شده است.

نوشته بودم، خوانده بودید، کمک کرده بودند و ...

فعل ماضی بعید با آمدن صیغه‌های ماضی «كَانَ» + «قَدْ» قبل از صیغه‌های فعل ماضی ساخته می‌شود.

كَانَ + قَدْ + جَلَسَ ← كَانَ قَدْ جَلَسَ

آوردن «قَدْ» اختیاری است؛ بنابراین گاهی این فعل بدون «قَدْ» نیز می‌آید.

### كَانَ + [قَدْ] ← ماضی بعید

فعل ماضی بعید با فرمول «ماضی ساده + ه + بود + شناسه» ترجمه می‌شود.

كَانَ قَدْ كَتَبَ ترجمه نوشته بود.

كُنَّا قَدْ كَتَبْنَا ترجمه نوشته بودیم.

• به شکل‌های مختلف فعل ماضی بعید و ترجمه هر یک در جدول بعد دقت کنید.

• فعلی است که بر انجام دادن کاری یا روی دادن حالتی در زمان حال یا آینده دلالت می‌کند.

▶ **يُنْصُرُ** (یاری می‌کند)، **تَرْجَعَانِ** (باز می‌گردند، باز می‌گردید)، **يُدَافِعُونَ** (دفاع می‌کنند) و ...

• در جدول زیر به شناسه‌های فعل مضارع و ضمائر هر یک به همراه ترجمه فعل دقت کنید.

فعل مضارع	شناسه	ضمیر	ترجمه	
أَجْلِسُ	ندارد	أنا (من)	می‌نشینم	
تَجْلِسُ		أنت (تو)	می‌نشینی	
تَجْلِسِينَ	بَيْنَ	أنتِ (تو)	می‌نشیند	
يَجْلِسُ	ندارد	هُوَ (او)	می‌نشیند	
تَجْلِسُ		هِيَ (او)	می‌نشیند	
نَجْلِسُ	ندارد	نَحْنُ (ما)	می‌نشینیم	
تَجْلِسَانِ	ان	أنتما (شما)	می‌نشینید	
تَجْلِسُونَ	وَنَ	أنتم (شما)		
تَجْلِسْنَ	نَ	أنتنَّ (شما)		
يَجْلِسَانِ	ان	هُمَا (آن دو)	می‌نشینند	
تَجْلِسَانِ		وَنَ		هُم (ایشان)
يَجْلِسُونَ		نَ		هُنَّ (ایشان)

• همان‌طور که در جدول ملاحظه کردید فعل مضارع ساده به صورت مضارع اخباری ترجمه می‌شود؛ «می + بن فعل + شناسه ← مضارع اخباری»

▶ **أَتَعْمَلُونَ فِي الْمَضَاجِعِ؟** آیا در کارخانه کار می‌کنید؟  
مضارع اخباری ترجمه می‌شود.

### إِنْتِخِبِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ:

۷. **الْفَلَاحُونَ** ..... **المحاصيل في المزارع.** (دی خارج ۱۴۰۰)
- (۱) **يَجْمَعُ** ○ (۲) **يَجْمَعُونَ** ○ (۳) **يَجْمَعْنَ**
۸. **الْمُتَفَرِّجُونَ** ..... **فريقهم الفائز فرحين.** (دی ۱۴۰۰)
- (۱) **يُسَجِّعُونَ** ○ (۲) **يُسَجِّعَنَّ** ○ (۳) **يُسَجِّعُ**
۹. **الأصدقاء** ..... **على أنفسهم.** (خرداد ۹۸)
- (۱) **تَعْتَمِدُونَ** ○ (۲) **يَعْتَمِدُونَ** ○ (۳) **يَعْتَمِدْنَ**
۱۰. .... **الله الذنوب إلا الشرك بالله.** (شهریور ۹۸)
- (۱) **تَغْفِرُ** ○ (۲) **يَغْفِرُ** ○ (۳) **تَغْفِرُ**
۱۱. **العَمَّالُ الْمُجْتَهِدُونَ** ..... **في المصنع.** (شهریور ۹۸)
- (۱) **يَسْتَعْلُونَ** ○ (۲) **تَسْتَعْلُونَ** ○ (۳) **يَسْتَعْلُنَّ**
۱۲. **كُلُّ شَيْءٍ** ..... **إذا كثر إلا الأدب.** (دی ۹۸)
- (۱) **تَرْحُصُ** ○ (۲) **يَرْحُصُ** ○ (۳) **تَرْحُصُ**

### پاسخ سوالات

۱. می‌فرستند (مضارع اخباری)
۲. بازنشسته می‌شویم (مضارع اخباری)
۳. مشاهده می‌کنم (مضارع اخباری)
۴. نزدیک می‌شوند (مضارع اخباری)
۵. یاری می‌جوئیم (مضارع اخباری)
۶. می‌آفرینند (مضارع اخباری)
۷. گزینه «۲»: «الْفَلَاحُونَ» جمع مذکر است؛ بنابراین فعل در همین صیغه می‌آید. ← ترجمه عبارت: کشاورزان محصولات را در مزرعه‌ها جمع می‌کنند.
۸. گزینه «۱»: «يُسَجِّعُونَ» جمع مذکر است؛ پس فعل نیز جمع مذکر می‌آید. ← ترجمه عبارت: تماشاگران تیم برنده‌شان را با شادی تشویق می‌کنند.
۹. گزینه «۲»: «يَعْتَمِدُونَ» (با توجه به «الأصدقاء» که جمع مذکر است و نیز ضمیر «هُم» فعل «يَعْتَمِدُونَ» مناسب جای خالی است) ← ترجمه عبارت: دوستان بر خودشان تکیه می‌کنند.
۱۰. گزینه «۲»: «يَغْفِرُ» (با توجه به کلمه «الله» فعل «يَغْفِرُ» در صیغه مفرد مذکر مناسب جای خالی است.) ترجمه عبارت ← خداوند به جز شرک به خدا، گناهان را می‌بخشد.
۱۱. گزینه «۱»: «يَسْتَعْلُونَ» (با توجه به «العَمَّال» که جمع مکسر است و همچنین جمله دلالت بر مخاطب ندارد، فعل «يَسْتَعْلُونَ» مناسب جای خالی است.) ترجمه عبارت ← کارگران تلاشگر در کارخانه کار می‌کنند.
۱۲. گزینه «۲»: «يَرْحُصُ» (مذکر جمع دلالت دارد. بنابراین فعل در همین صیغه مناسب جای خالی است.) ترجمه عبارت ← هر چیزی ارزان می‌شود هرگاه زیاد شود، به جز ادب.

### ایستگاه سوال

### تَرْجِمِ الْأَفْعَالِ التَّالِيَةَ:

۱. **أُرْسِلَ** (فرستاد) ← **هُم يُرْسِلُونَ الْخَبَرَ.** (شهریور ۱۴۰۰)
۲. **تَقَاعَدَ** (بازنشسته شد) ← **نَحْنُ نَتَقَاعَدُ.** (شهریور ۹۹)
۳. **شَاهَدَ** (مشاهده کرد) ← **أَشَاهَدُ.** (شهریور ۹۸)
۴. **تَقَرَّبَ** (نزدیک شد) ← **هُم يَتَقَرَّبُونَ إِلَى الْخَيْرَاتِ.** (خرداد ۱۴۰۱)
۵. **اسْتَعَانَ** (یاری جست) ← **«... إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»** (شهریور ۱۴۰۱)
۶. **خَلَقَ** (آفرید) ← **يَخْلُقُونَ.** (دی ۹۹)



نهی

۱۳

تکرار

• فعلی است که دستور به انجام ندادن کاری می دهد.

◀ نپرس، نگویید، نروید و ...

• برای ساخت فعل نهی حرف «لا» را بر سرش صیغه مخاطب می آوریم و آخر فعل را تغییر می دهیم. یعنی ضمه آخر فعل تبدیل به ساکن می شود و اگر آخر فعل «ن» داشت آن را حذف می کنیم به جز «ن» جمع مؤنث.

◀ لا + تَسْأَلُ نَهْيًا ← لا تَسْأَلْ (نپرس) (ساکن کردن آخر فعل)

◀ لا + تَسْأَلَانِ نَهْيًا ← لا تَسْأَلَا (نپرسید) (حذف نون)

◀ لا + تَسْأَلْنَ نَهْيًا ← لا تَسْأَلْنَ (نپرسید) (نون حذف نمیشه)

لا + فعل مضارع (با تغییر) ← نهی

• فعل نهی را به صورت امر منفی ترجمه می کنیم.

◀ لا تَخْرُجِي مِنَ الْبَيْتِ. ترجمه ← از خانه بیرون نرو.

◀ لا تَتَكَلَّمُوا فِي الْمَكْتَبَةِ. ترجمه ← در کتابخانه سخن نگویید.

فعل نهی

مضارع منفی

۱۱

تکرار

• فعل مضارع با حرف «لا» و گاهی با حرف «ما» منفی می شود.

لا + فعل مضارع ← مضارع منفی

◀ با آوردن «لا» ی نفی بر سر فعل مضارع، آخر فعل هیچ

تغییری نمی کند.

◀ لا + يَذْهَبُ ← لا يَذْهَبُ (نمی رود)

◀ لا + يَذْهَبَانِ ← لا يَذْهَبَانِ (نمی روند)

• فعل مضارع منفی به صورت مضارع اخباری منفی ترجمه می شود.

◀ لِمَ لَا تَكْتُبِينَ دَرْسَكَ؟ ترجمه ← چرا درست را نمی نویسی؟

مضارع منفی

◀ لا أَتَذَكَّرُكَ يَا زَمِيلِي. ترجمه ← تو را به یاد نمی آورم ای هم کلاسی ام.

مضارع منفی

ایستگاه سؤال

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. جالَسَ (هم نشینی کرد) ← يا رجالاً لا تجالسوا الأشرار. (خرداد ۹۸)
۲. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لا تَمْتَنِعُوا. (خرداد ۹۹)
۳. ذَكَرَ (یاد کرد) ← لا تَذْكُرْ. (دی ۹۷)
۴. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لا تُرْسِلُوا. (خرداد خارج ۹۹)
۵. تَقَرَّبَ (نزدیک شد) ← لا تَتَقَرَّبُوا. (دی ۹۹)
۶. سَاعَدَ (کمک کرد) ← أَنْتَ لا تُسَاعِدِي. (شهریور ۹۹)
۷. اِنْتَقَلَ (جابه جا شد) ← رَجَاءٌ لا تَنْتَقِلُوا. (شهریور خارج ۹۸)
۸. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← لا تَتَكَلَّمُوا فِي الصَّفِّ. (خرداد ۱۱۴)
۹. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لا تُرْسِلْ رِسَالَةً. (خرداد ۱۱۴)
۱۰. اسْتَعَانَ (یاری جست) ← لا تَسْتَعِينُوا إِلَّا بِاللَّهِ. (شهریور ۱۱۴)
۱۱. عَامَلَ (رفتار کرد) ← إلهي لا تُعَامِلْ بَعْدَكَ. (شهریور ۹۹ - دی ۹۸)
۱۲. «و لا تهنوا و لا تحزنوا و أنتم الأعلون» (خرداد خارج ۹۸)

○ ۱) سست نشوید

○ ۲) سست نمی شوید

○ ۳) نباید سست شوید

(دی خارج ۱۱۴)

○ ۱۳. قَطَعَ (برید) ← لا تُقَطِّعُوا صِدَاقَتَكُمْ.

پاسخ سؤالات

پاسخ سؤالات

۱. آمرزش نمی خواهند (لا + فعل مضارع (يَسْتَغْفِرُونَ) ← مضارع منفی)
۲. یاد نمی دهند (لا + فعل مضارع (يَعْلَمُونَ) ← مضارع منفی)
۳. نمی بریم (لا + فعل مضارع (نُقَطِّعْ) ← مضارع منفی)
۴. نمی نشانی (لا + فعل مضارع (تُجَلِّسِينَ) ← مضارع منفی)
۵. خودداری نمی کنند (لا + فعل مضارع (يَمْتَنِعُونَ) ← مضارع منفی)
۶. تو را به یاد نمی آورم (لا + فعل مضارع (أَتَذَكَّرُ) ← مضارع منفی)
۷. سخن نمی گوید (لا + فعل مضارع (يَتَكَلَّمُ) ← مضارع منفی)
۸. عبادت نمی کند (لا + فعل مضارع (يَعْبُدُ) ← مضارع منفی)
۹. نمی آرزند (لا + فعل مضارع (يَغْفِرُونَ) ← مضارع منفی)
۱۰. تشویق نمی کنی (لا + فعل مضارع (تُسَجِّعِينَ) ← مضارع منفی)
۱۱. بازنشسته نمی شوی (لا + فعل مضارع (تَتَقَاعَدُ) ← مضارع منفی)

۲۰. نَجَحَ (موفق شد) ← سَوْفَ يَنْجَحُ. (شهریور ۹۸)  
 ۲۱. شَاهَدَ (مشاهده کرد) ← لَنْ يُشَاهِدَ. (شهریور ۹۸)  
 ۲۲. عَلَّمَ (یاد داد) ← لَنْ يُعَلِّمَ. (دی خارج ۹۹)  
 ۲۳. تَقَرَّبَ (نزدیک شد) ← سَيَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ. (خرداد ۱۴۰۱)

پاسخ سؤالات

۱. کمک خواهیم کرد (س + فعل مضارع (أَسَاعِدُ) ← مستقبل)
۲. خواهند نشست (سَوْفَ + فعل مضارع (يَجْلِسُونَ) ← مستقبل)
۳. هم‌نشینی نخواهد کرد
۴. به یاد خواهند آورد (سَوْفَ + فعل مضارع (يَتَذَكَّرُونَ) ← مستقبل)
۵. کمک نخواهد کرد
۶. جابه‌جا خواهند شد (س + فعل مضارع (يَنْتَقِلُونَ) ← مستقبل)
۷. بازنشسته خواهید شد (س + فعل مضارع (تَتَقَاعَدُونَ) ← مستقبل)
۸. خودداری خواهیم کرد
۹. به یاد خواهیم آورد (س + فعل مضارع (تَتَذَكَّرُ) ← مستقبل)
۱۰. تلاش خواهند کرد
۱۱. به یاد نخواهد آورد
۱۲. ارزان نخواهد شد
۱۳. نخواهد فرستاد
۱۴. تلاش نخواهد کرد، تلاش خواهی کرد
۱۵. عبادت خواهند کرد (س + فعل مضارع (يَعْبُدُونَ) ← مستقبل)
۱۶. کمک خواهند کرد
۱۷. نامه‌نگاری نخواهد کرد
۱۸. جابه‌جا خواهد شد
۱۹. نزدیک خواهیم شد
۲۰. موفق خواهد شد (سَوْفَ + فعل مضارع (يُنَجِّحُ) ← مستقبل)
۲۱. مشاهده خواهد کرد
۲۲. یاد خواهد داد (لَنْ + فعل مضارع (يُعَلِّمُ) ← مستقبل منفی)
۲۳. نزدیک خواهد شد (س + فعل مضارع (يَتَقَرَّبُ) ← مستقبل)

۸. سخن نگویید (لا + تَتَكَلَّمُونَ ← لا تَتَكَلَّمُوا (نهی))
۹. نفرست (لا + تُرْسِلُ ← لا تُرْسِلْ (نهی))
۱۰. یاری نجوید (لا + تَسْتَعِينُونَ ← لا تَسْتَعِينُوا (نهی))
۱۱. رفتار نکن (لا + تُعَامِلُ ← لا تُعَامِلْ (نهی))
۱۲. گزینۀ «۱»: سست نشوید (لا + تَهْنُونَ ← لا تَهْنُوا (نهی))
۱۳. نبرید (لا + تَقْطَعُونَ ← لا تَقْطَعُوا (نهی))



● به فعلی گفته می‌شود که بر زمان آینده دلالت می‌کند و با اضافه شدن حرف «س / سَوْفَ» به اول فعل مضارع ساخته می‌شود.

**س / سَوْفَ + فعل مضارع ← مستقبل**

● در ترجمه فعل مستقبل از مشتقات فعل «خواهد...» استفاده می‌کنیم.

سَيَخْرُجُ ترجمه ← خارج خواهد شد.

سَوْفَ نَزِجُ ترجمه ← باز خواهیم گشت.

● فعل مستقبل با آمدن حرف «لَنْ» بر سر فعل مضارع، منفی می‌شود.

لَنْ + أَجْلِسُ ← لَنْ أَجْلِسَ

**لَنْ + فعل مضارع ← مستقبل منفی**

● در ترجمه فعل مستقبل منفی از مشتقات فعل «نخواهد...» استفاده می‌کنیم.

لَنْ تَذْهَبَ ترجمه ← نخواهی رفت، نخواهد رفت

لَنْ تَعْلَمُوا ترجمه ← نخواهید دانست

ایستگاه سؤال

ترجم الأفعال التالية:

۱. سَاعَدَ (کمک کرد) ← سَأَسَاعِدُ صَدِيقِي فِي أَدَاءِ وَاجِبَاتِهِ. (دی ۱۴۰۱)
۲. جَلَسَ (نشست) ← هُمْ سَوْفَ يَجْلِسُونَ. (خرداد ۱۴۰۰)
۳. جَالَسَ (هم‌نشینی کرد) ← هُوَ لَنْ يُجَالِسَ الْأَعْدَاءَ. (خرداد ۹۸)
۴. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← سَوْفَ يَتَذَكَّرُنَّ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۵. سَاعَدَ (کمک کرد) ← لَنْ أُسَاعِدَهُمْ فِي الذَّنْبِ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۶. انْتَقَلَ (جابه‌جا شد) ← سَيَنْتَقِلُونَ. (شهریور خارج ۹۸)
۷. تَقَاعَدَ (بازنشسته شد) ← أَنْتُمْ سَتَتَقَاعَدُونَ. (شهریور ۹۹)
۸. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لَنْ نَمْتَنِعَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۹. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← سَتَتَذَكَّرُ الدَّرْسَ. (دی ۱۴۰۰)
۱۰. اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← هُمْ لَنْ يَجْتَهِدُوا. (خرداد ۹۹)
۱۱. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← جَدِي لَنْ يَتَذَكَّرَكَ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
۱۲. رَخَّصَ (ارزان شد) ← الْأَدَبُ لَنْ يَرْخُصَ إِذَا كَثُرَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۳. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لَنْ تُرْسِلُوا. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۴. اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← لَنْ يَجْتَهِدَ. (خرداد خارج ۹۹)
۱۵. عَبَدَ (عبادت کرد) ← سَيَعْبُدُونَ. (خرداد خارج ۹۹)
۱۶. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُمْ لَنْ يُسَاعِدُوا. (شهریور ۹۹)
۱۷. تَكَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← لَنْ يَتَكَاتَبَ. (شهریور خارج ۹۸)
۱۸. انْتَقَلَ (جابه‌جا شد) ← لَنْ يَنْتَقِلَ. (دی خارج ۹۸)
۱۹. تَقَرَّبَ (نزدیک شد) ← لَنْ نَتَقَرَّبَ إِلَى الذَّنْبِ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)

❖ **مضارع + مضارع ← مضارع التزامی** (و یا مضارع اخباری)

أَفْتَجِرُ بِطَالِبٍ يَسْعَى فِي مَضَارِعِ مَضَارِعِ  
به دانش آموزی افتخار می‌کنم که در کسب فضیلت‌های اخلاقی بکوشد. (می‌کوشد) اکتساب الفضائل الأخلاقية.

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالیة:

۱. كَتَبَ (نوشت) ← الأَطْفَالُ لَا يَكْتُبُوا عَلَى الأشجار. (دی ۱۱۴)
۲. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← مَنْ يَتَكَلَّمُ فِي الإِمْتِحَانِ يَحْسِرُ. (خرداد ۹۸)
۳. اسْتَعْفَرَ (آمرزش خواست) ← لَيْتَهُمْ يَسْتَعْفِرُونَ لِدُنُوبِهِمْ. (خرداد ۹۸)
۴. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← لَا يَتَذَكَّرُ. (خرداد خارج ۱۱۴۰۰)
۵. إِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← نَحْنُ لِنَجْتَهِدُ. (خرداد ۹۹)
۶. سَاعَدَ (کمک کرد) ← لِكَيْ يُسَاعِدَ. (خرداد خارج ۹۸)
۷. سَاعَدَ (کمک کرد) ← لَيْتَهُ يُسَاعِدُ. (تیر ۹۸)
۸. ذَكَرَ (یاد کرد) ← لَيْتَهُ يَذُكِّرُ. (دی ۹۷)
۹. عَامَلَ (رفتار کرد) ← أَنْ يُعَامِلُوا. (خرداد خارج ۱۱۴۰۰)
۱۰. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← أَنْ نَمْتَنِعَ. (آذر ۱۱۴۰۱)

پاسخ سؤالات

۱. نباید بنویسند
۲. (لا نهی) + فعل غایب (يَكْتُبُونَ) ← لَا يَكْتُبُوا ← مضارع التزامی منفی
۳. سخن بگوید («من: هرکس ← ادات شرط») / «يَتَكَلَّمُ» فعل شرط است ← مضارع التزامی
۴. آمرزش بخواهند (لَيْتَ + فعل مضارع (يَسْتَعْفِرُونَ) ← مضارع التزامی)
۵. نباید به یاد آورد
۶. (لا نهی) + فعل غایب (يَتَذَكَّرَانِ) ← لَا يَتَذَكَّرَا ← مضارع التزامی منفی
۷. باید تلاش کنیم
۸. (امر) + فعل متکلم (تَجْتَهِدُ) ← لِنَجْتَهِدُ ← مضارع التزامی
۹. تا کمک کند
۱۰. (لِکَيْ + فعل مضارع (يُسَاعِدُ) ← لِکَيْ يُسَاعِدَ ← مضارع التزامی)
۱۱. کمک کند (لَيْتَ + فعل مضارع (يُسَاعِدُ) ← مضارع التزامی)
۱۲. یاد کند (لَيْتَ + فعل مضارع (يَذُكِّرُ) ← مضارع التزامی)
۱۳. رفتار کنند
۱۴. (أَنْ + فعل مضارع (يُعَامِلُونَ) ← أَنْ يُعَامِلُوا ← مضارع التزامی)
۱۵. خودداری کنیم
۱۶. (أَنْ + فعل مضارع (نَمْتَنِعَ) ← أَنْ نَمْتَنِعَ ← مضارع التزامی)

مضارع التزامی



• فعلی است که بر وقوع کاری همراه با شک و تردید و تمنا و ... دلالت می‌کند؛ اما وقوع آن حتمی نیست.  
• در زبان عربی فعل‌هایی که با هر یک از ساختارهای زیر می‌آیند، به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شوند. (پ + بن فعل + شناسه ← بَرُومَ، بَرُوزِي، بَرُودَ و ...)

❶ **أَنْ (که) / كَيْ، لِکَيْ، حَتَّى (تا، برای این که)**

**+ فعل مضارع ← مضارع التزامی**

با دوستش تماس گرفت تا ماشینشان را تعمیر بکند. مضارع التزامی	إِنْتَصَلَ بِصَدِيقِهِ لِكَيْ يُصَلِّحَ سَيَّارَتَهُمْ. لِکَيْ + يُصَلِّحَ
پیامبران را بر آنان فرستاد تا راه درست و دین حق را آشکار کنند. مضارع التزامی	أَرْسَلَ عَلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ لِیُبَيِّنُونَ ← لِيُبَيِّنُوا المُسْتَقِيمَ وَ الدِّينَ الْحَقَّ.

❷ **إِنْ (اگر)، مَنْ (هرکس)، مَا (هرچه)، إِذَا (هرگاه، اگر، چنان چه)**

**+ فعل ← مضارع التزامی**

(ساختار شماره ۲) مربوط می‌شود به اسلوب شرط (جمله‌های شرطی) که فعل شرط طبق فرمول بالا مضارع التزامی و جواب شرط مضارع اخباری ترجمه می‌شود.

هرگاه خداوند نابودی مورچه را بخواهد، برایش دو بال می‌رواند. مضارع اخباری	إِذَا أَرَادَ اللهُ هَلَاكَ النَّمْلَةِ أَنْبَتَ لَهَا جَنَاحَيْنِ. ادات فعل شرط (ماضی) جواب شرط (ماضی) شرط
اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند. مضارع اخباری	﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللهَ يَنْصُرْكُمْ﴾ ادات فعل شرط جواب شرط شرط

❸ **لِ (امر) + مضارع (غائب / متکلم) ← باید + مضارع التزامی**

- لِ + يُرْسَلُ ← لِيُرْسَلَ (باید بفرستد)
- لِ + نَنْتَقِمَ ← لِنَنْتَقِمَ (باید انتقام بگیریم)
- گاهی حروف ربطی مانند «وَ، فَ، ثُمَّ» قبل از «لِ» می‌آیند و آن را لام امر ساکن می‌کنند.

وَلْتَذَكَّرْ مَثَلًا إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ ﷺ.  
لِ + فعل متکلم مع الغیر (لِ) به خاطر (وَ) ساکن شده است.

❹ **لَا (نهی) + مضارع (غائب / متکلم) ← نباید + مضارع التزامی**

- لَا + يَنْتَقِلُ ← لَا يَنْتَقِلْ (نبايد جابه جا شود)
- لَا + يَذْهَبُوا ← لَا يَذْهَبُوا (نبايد بروند)
- لَيْتَ (ای کاش)، لَعَلَّ (شاید، گاهی، امید است و ...)

**+ فعل مضارع ← مضارع التزامی**

لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ	ای کاش قوم من بدانند.
لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ	شاید آن‌ها خردورزی کنند.



• هرگاه حرف «قد» بر سر فعل مضارع بیاید، فعل مضارع را با قید «گاهی، شاید» ترجمه می‌کنیم.

### قد + مضارع ← گاهی / شاید

• در ترجمه فعل مضارع همراه با «قد» از فرمول «گاهی + مضارع اخباری» یا «شاید + مضارع التزامی» استفاده می‌کنیم.

قَدْ أَذْهَبَ إِلَى الْقَرْيَةِ لِيَجُوهَا الْمُعْتَدِلِ.	
گاهی به روستا به خاطر هوای معتدلش می‌روم.	شاید به روستا به خاطر هوای معتدلش بروم.

### ایستگاه سؤال

#### ترجم الأفعال التالية:

- تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← التَّلَامِيذُ قَدْ يَتَعَلَّمُونَ اللُّغَةَ الْفَرَنْسِيَّةَ. (دی ۱۴۰۱)
- كَاتَبَ: (نامه نگاری کرد) ← قَدْ يُكَاتِبُ. (دی خارج ۹۹)
- ذَكَرَ (یاد کرد) ← قَدْ يَذْكُرُ جَدِّي صَدِيقَهُ. (دی خارج ۱۴۰۰ - شهریور ۱۴۰۰)
- اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← هُوَ قَدْ يَجْتَهِدُ. (خرداد ۱۴۰۰)
- قَدْ يَذْكُرُ الْأُسْتَاذُ تَلَامِيذَهُ الْقَدَمَاءَ. (خرداد خارج ۹۸)
- تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← قَدْ يَتَكَلَّمُ مَعَ صَدِيقِهِ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
- شَجَّحَ (تشویق کرد) ← قَدْ يُشَجِّعُ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)

### پاسخ سؤالات

- گاهی یاد می‌گیرند، شاید یاد بگیرند (قد + فعل مضارع (يَتَعَلَّمُونَ))
- گاهی نامه‌نگاری می‌کند، شاید نامه‌نگاری کند (قد + فعل مضارع (يُكَاتِبُ))
- گاهی یاد می‌کند، شاید یاد کند (قد + فعل مضارع (يَذْكُرُ))
- گاهی تلاش می‌کند، شاید تلاش کند (قد + فعل مضارع (يَجْتَهِدُ))
- گزینه «۳»: گاهی یاد می‌کند (قد + فعل مضارع (يَذْكُرُ))
- گاهی سخن می‌گوید، شاید سخن بگوید (قد + فعل مضارع (يَتَكَلَّمُ))
- گاهی تشویق می‌کند، شاید تشویق کند (قد + فعل مضارع (يُشَجِّعُ))



• فعل امر، فعلی است که در آن به انجام دادن کاری دستور می‌دهیم.

◀ إجلس: بنشین / ادخلوا: داخل شوید / أزيلا: بفرستید

### ساخت فعل امر از صیغه‌های مخاطب:

با حذف حرف مضارع «ت» به ساکن می‌رسیم و برای سهولت تلفظ همزه می‌آوریم و سپس فعل‌های دارای «ت» در انتهای فعل به ساکن و فعل‌هایی که «ن» دارند، «نونشون» حذف میشه به جزنون جمع مؤنث، (دقت کنید این تغییرات در فعل ثلاثی مجرد و فعل‌های ثلاثی مزید در باب‌های «اشْتَفَعَال، اِفْتِعَال، اِنْفِعَال، اِفْعَال» هست).

◀ یادتون باشه حرکت همزه متناسب با حرکت عین الفعل (دومین حرف اصلی فعل) هست. اگه ضمه بود میشه ضمه (ُ) و اگه کسره بود همون (ِ) ولی اگه فتحه بود میشه (َ) (کسره) فقط یک استثنا داریم و اون هم در باب «اِفْعَال» هست که کسره به «فتحه» تبدیل میشه. پس همزه فعل امر در باب «اِفْعَال» همیشه مفتوح (َ) هست.

«... اِزْجِعِي إِلَى رَبِّكَ ...» (فعل امر از «تَرْجِعِينَ»)	به سوی پروردگارت بازگرد.
«وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (فعل امر از «تَسْتَعِينُونَ»)	و از بردباری و نماز یاری بجوئید.

◀ به وزن‌های ماضی، مضارع، مصدر و امر باب‌های «اشْتَفَعَال، اِفْتِعَال، اِنْفِعَال، اِفْعَال» دقت کنید تا آن‌ها را با یکدیگر اشتباه نگیرید. (با ذکر یک نمونه فعل براتون توضیح دادیم).

باب	ماضی	مضارع	مصدر	امر
اِشْتَفَعَال	اِسْتَعْفَرَ (خواست)	يَسْتَعْفِرُ (می‌خواهد)	اِسْتِعْفَار (خواستن)	اِسْتَعْفِرْ (آمزش بخواه)
اِفْتِعَال	اِمْتَنَعَ (کرد)	يَمْتَنِعُ (می‌کند)	اِمْتِنَاع (خودداری کردن)	اِمْتَنِعْ (خودداری کن)
اِنْفِعَال	اِنْسَحَبَ (عقب‌نشینی کرد)	يُنْسَحِبُ (عقب‌نشینی می‌کند)	اِنْسِحَاب (عقب‌نشینی کردن)	اِنْسَحِبْ (عقب‌نشینی کن)
اِفْعَال	اَجْلَسَ (نشاند)	يُجْلِسُ (می‌نشاند)	اِجْلَاس (نشاندن)	اَجْلِسْ (بنشان)

۱۰. **أَرْسَلَ** (فرستاد) ← **أَرْسَلُوا**. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۱. **أَرْسَلَ** (فرستاد) ← **أَرْسِلْ**. (دی ۹۹)
۱۲. **أَنْقَذَ** (نجات داد) ← **رَجَاءٌ أَنْقَذُوا الطِّفْلَ**. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
۱۳. **إِمْتَنَعَ** (خودداری کرد) ← **مِنْ فَضْلِكَ، إِمْتَنَعَ عَنِ الْأَكْلِ**. (خرداد ۱۴۰۱)
۱۴. **إِسْتَعَانَ** (یاری جست) ← **«وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»** (شهریور ۱۴۰۱)
۱۵. **عَمِلَ** (عمل کرد) ← **إِعْمَلُوا**. (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۶. **ذَكَرَ** (یاد کرد) ← **أَذْكُرُوا رَبَّكُمْ**. (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۷. **إِجْتَهَدَ** (تلاش کرد) ← **مِنْ فَضْلِكُمْ إِجْتَهَدُوا**. (خرداد ۱۴۰۰)

پاسخ سؤالات

۱. «تَعَلَّمُوا: بیاموزید، یاد بگیرید» فعل امر از باب «تَفَعَّلَ» است. (دقت کنین «تَعَلَّمُوا» می‌تونه ماضی هم باشه (: فراگرفتند) ولی با توجه به کلمه «رَجَاءٌ: لطفاً» که معنای درخواست کاری را می‌دهد، این فعل در معنای امر است.)
۲. «إِنْتَقَلُوا: جابه‌جا شوید» فعل امر است (عین‌الفعل آن کسره دارد). و نباید آن را با «إِنْتَقَلُوا: جابه‌جا شدند» که ماضی است، اشتباه گرفت.
۳. «إِسْتَعْفَرُوا: آمرزش بخواهید» فعل امر است (عین‌الفعل آن کسره دارد) و نباید آن را با فعل ماضی «إِسْتَعْفَرُوا: آمرزش خواستند» اشتباه گرفت.
۴. «كَاتَبُوا: نامه‌نگاری کردند» فعل ماضی است (عین‌الفعل آن فتحه دارد) و نباید آن را با فعل امر «كَاتَبُوا: نامه‌نگاری کنید» اشتباه گرفت.
۵. «قَيَّدُوا: به بند آورید» فعل امر از باب «تَفَعَّلَ» است. (قَيَّدُوا: به بند آوردند، فعل ماضی است.)
۶. «شَاهِدُوا: مشاهده کنید، ببینید» فعل امر است (عین‌الفعل آن کسره دارد) و نباید آن را با «شَاهِدُوا: مشاهده کردند، دیدند» که ماضی است اشتباه گرفت.
۷. «الْإِجْتِهَادُ» مصدر باب «إِفْتِعَالُ» و به معنای «تلاش کردن» است.
۸. «الْإِمْتِنَاعُ» مصدر باب «إِفْتِعَالُ» و به معنای «خودداری کردن» است.
۹. «الْمُعَامَلَةُ» مصدر باب «مُفَاعَلَةٌ» و به معنای «رفتار کردن» است.
۱۰. «أَرْسَلُوا» فعل امر از باب «إِفْعَالُ» و به معنای «بفرستید» است. (أَرْسَلُوا: فرستادند، فعل ماضی است.)
۱۱. «أَرْسِلْ» فعل امر از باب «إِفْعَالُ» به معنای «بفرست» است.
۱۲. «أَنْقَذُوا» فعل امر از باب «إِفْعَالُ» به معنای «نجات دهید» است. (أَنْقَذُوا: نجات دادند، ماضی است.)
۱۳. «إِمْتَنَعَ» فعل امر از باب «إِفْتِعَالُ» و به معنای «خودداری کن» است.
۱۴. «إِسْتَعِينُوا» فعل امر از باب «إِسْتِفْعَالُ» و به معنای «یاری بجوید» است.
۱۵. «إِعْمَلُوا» فعل امر و به معنای «عمل کنید» است.
۱۶. «أَذْكُرُوا» فعل امر و به معنای «یاد کنید» است.
۱۷. «إِجْتَهَدُوا» فعل امر از باب «إِفْتِعَالُ» و به معنای «تلاش کنید» است. («إِجْتَهَدُوا: تلاش کردند، ماضی است.)

به فعل‌های ماضی و امر این چهار باب دقت کنید، حرکت عین‌الفعل (دومین حرف اصلی) در ماضی، فتحه (ـَ) و در امر، کسره (ـِ) است.

مِنْ فَضْلِكُمْ **إِجْتَهَدُوا**. (خرداد ۱۴۰۰) لطفاً تلاش کنید.  
فعل امر از «تَجْتَهَدُونَ»

«إِجْتَهَدُوا» فعل امر (حرکت عین‌الفعل «کسره» هست). و از باب «إِفْتِعَالُ» است و نباید آن را با ماضی «إِجْتَهَدُوا» اشتباه بگیرید.

حالا به ساخت فعل امر باب‌های «مُفَاعَلَةٌ، تَفَاعُلٌ، تَفَعَّلٌ، تَفَعَّلٌ» دقت کنید. (هنگام امر این فعل‌ها، زمانی که حرف مضارع «ت» را حذف می‌کنیم به راحتی می‌توانیم فعل را بخوانیم، بنابراین نیازی به همزه فعل امر نداریم.)

**تُجَاهِدُ** ← **جَاهِدْ** (مبارزه کن) **تُعَلِّمُونَ** ← **عَلِّمُوا** (یاد دهید)

به وزن‌های ماضی، مضارع، مصدر و امر باب‌های «مُفَاعَلَةٌ، تَفَاعُلٌ، تَفَعَّلٌ» دقت کنید تا آن‌ها را با یکدیگر اشتباه نگیرید.

باب	مُفَاعَلَةٌ	تَفَاعُلٌ	تَفَعَّلٌ	تَفَعَّلٌ
ماضی	كَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد)	تَقَاعَدَ (بازنشسته شد)	عَلَّمَ (یاد داد)	تَذَكَّرَ (به یاد آورد)
مضارع	يُكَاتِبُ (نامه‌نگاری می‌کند)	يَتَقَاعَدُ (بازنشسته می‌شود)	يُعَلِّمُ (یاد می‌دهد)	يَتَذَكَّرُ (به یاد می‌آورد)
مصدر	مُكَاتَبَةٌ (نامه‌نگاری کردن)	تَقَاعُدٌ (بازنشسته شدن)	تَعْلِيمٌ (یاد دادن)	تَذَكُّرٌ (به یاد آوردن)
امر	كَاتِبْ (نامه‌نگاری کن)	تَقَاعُدْ (بازنشسته شو)	عَلِّمْ (یاد بده)	تَذَكَّرْ (به یاد آور)
توضیحات	به ماضی و امر دقت کنید.	مصدر را با فعل امر اشتباه نگیرید.	ماضی را با فعل امر اشتباه نگیرید.	به ماضی و مصدر و امر دقت کنید.

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالیة:

۱. **تَعَلَّمْ** (یاد گرفت) ← **رَجَاءٌ تَعَلَّمُوا الْعَرَبِيَّةَ**. (دی ۱۴۰۱)
۲. **يا رجال، رَجَاءٌ إِنْتَقَلُوا**. (دی ۹۸)
۳. **أَيُّهَا النَّاسُ، إِسْتَعْفَرُوا لِدُنُوبِكُمْ**. (خرداد ۹۸)
۴. **كَاتَبُوا**. (دی خارج ۹۹)
۵. **قَيَّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابَةِ**. (خرداد ۹۹)
۶. **شَاهِدْ** (دید) ← **رَجَاءٌ شَاهِدُوا**. (خرداد ۹۹)
۷. **إِجْتَهَدْ** (تلاش کرد) ← **الْإِجْتِهَادُ**. (خرداد ۹۹)
۸. **إِمْتَنَعَ** (خودداری کرد) ← **الْإِمْتِنَاعُ**. (خرداد ۹۹ - آذر ۱۴۰۱)
۹. **عَامَلْ** (رفتار کرد) ← **الْمُعَامَلَةُ**. (شهریور ۹۹)



### ساخت فعل امر از صیغه‌های غایب و متکلم:

حرف «لِ» باید بر سر فعل‌های غایب و متکلم نیز نوعی دیگر از فعل امر به‌شمار می‌رود. (دقت کنین که «لِ» امر غایب و متکلم، آخر فعل را ساکن می‌کنه و نون دارها، نونشون حذف میشه به‌جز نون جمع مؤنث.)

لِيَجْعُ ← باید برگردد (لِ + فعل مضارع غایب)

لَايَحْتُ ← باید جست‌وجو کنیم (لِ + فعل مضارع متکلم)

این نوع از فعل امر به‌صورت زیر ترجمه می‌شود:

### باید + مضارع التزامی

#### ایستگاه سؤال

#### ترجم الأفعال التالية:

۱. سَاعَدَ (کمک کرد) ← الْأَغْنِيَاءُ لِيُسَاعِدُوا الْفُقَرَاءَ. (دی ۱۴۰۱)
۲. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← لِيَتَذَكَّرَ دَرَسُهُ. (دی ۱۴۰۰)
۳. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← لِيَجْتَهِدَ. (خرداد ۹۹)
۴. اِمْتَنَحَ (خودداری کرد) ← لِيَمْتَنَحَ. (آذر ۱۴۰۱)
۵. نَجَحَ (موفق شد) ← لِيَنْجَحَ. (شهریور ۹۸)
۶. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُوَ لِيُسَاعِدَ. (شهریور ۹۹)
۷. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لِيُرْسِلَ. (دی ۹۹)

#### پاسخ سؤالات

۱. باید کمک کنند (لِ + فعل مضارع غایب (يُسَاعِدُونَ) ← لِيُسَاعِدُوا (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۲. باید به یاد بیاورد (لِ + فعل مضارع غایب (يَتَذَكَّرُ) ← لِيَتَذَكَّرَ (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۳. باید بکوشد (تلاش کند) (لِ + فعل مضارع غایب (يَجْتَهِدُ) ← لِيَجْتَهِدَ (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۴. باید خودداری کنیم (لِ + فعل مضارع متکلم (تَمْتَنِحُ) ← لِيَمْتَنَحَ (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۵. باید موفق شود (لِ + فعل مضارع غایب (يَنْجَحُ) ← لِيَنْجَحَ (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۶. باید کمک کند (لِ + فعل مضارع غایب (يُسَاعِدُ) ← لِيُسَاعِدَ (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۷. باید بفرستد (لِ + فعل مضارع غایب (يُرْسِلُ) ← لِيُرْسِلَ (امر غایب) ← مضارع التزامی)



فعل معلوم: فعلی است که فاعل آن در جمله مشخص و معلوم باشد.

أَكَلَ الْوَلَدُ طَعَامَهُ.  
فعل معلوم  
کودک غذایش را خورد.

تشخیص فعل ماضی مجهول

حرف ما قبل آخر: کسره (ـِ)

حروف حرکت دار قبل از حرف آخر: ضمه (ُ)

كَتَبَ مجهول ← كُتِبَ (نوشته شد)

اِكْتَسَبَ مجهول ← اُكْتُسِبَ (به‌دست آورده شد)

تشخیص فعل مضارع مجهول

حرف ما قبل آخر: فتحة (ـَ)

حرف مضارعه: ضمه (ُ)

يَكْتُبُ مجهول ← يُكْتَبُ (نوشته می‌شود)

در ترجمه فعل ماضی مجهول از فعل کمکی «شدن» استفاده می‌کنیم.

نُصِبَ لَهُ مَنبَرٌ.  
ماضی مجهول  
منبری برایش نصب شد. (برپا شد)

در ترجمه فعل مضارع مجهول از فعل «می‌شود» و مشتقات آن استفاده می‌کنیم.

عِنْدَ الشَّادَائِدِ يُعْرِفُ الْإِخْوَانَ.  
مضارع مجهول  
هنگام سختی‌ها، برادران شناخته می‌شوند.

#### ایستگاه سؤال

#### ترجم الأفعال التالية:

۱. غَفَرَ (آمرزید) ← لَا يُغْفَرُ الْمُخْطِئُ. (دی ۱۴۰۰)
۲. خَلَقَ (آفرید) ← خُلِقَ. (دی ۹۹)
۳. قَطَعَ (برید) ← مَا قُطِعَ رَجَائِي. (دی خارج ۱۴۰۰)
۴. غَفَرَ (آمرزید) ← لَا يُغْفَرُ. (آذر ۱۴۰۱)
۵. «نَزَلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا»  
 ۱) فرود آورده شدند  
 ۲) فرود آورده می‌شوند  
 ۳) فرود آمدند

#### پاسخ سؤالات

۱. آمرزیده نمی‌شود («لَا يُغْفَرُ» فعل مضارع منفی مجهول است.)
۲. آفریده شد («خُلِقَ» فعل ماضی مجهول است.)
۳. بریده نشد («مَا قُطِعَ» فعل ماضی منفی مجهول است.)
۴. آمرزیده نمی‌شود («لَا يُغْفَرُ» فعل مضارع منفی مجهول است.)
۵. گزینۀ «۱»: فرود آورده شدند («نَزَلَ» فعل ماضی مجهول است.)



# قسمت ۳

## تمارین کتاب درسی

### الدَّرْسُ الْأَوَّلُ | التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

الف) جَلَسَ: نشست	۱ جَلَسْنَا: نشستیم ۳ اِجْلَسْنَ: بنشینید	۲ لَا تَجْلِسُوا: ننشینید
ب) اَجْلَسَ: نشانید	۴ اَجْلِسْ: نشان ۶ لَمْ يَجْلِسُوا: نشانند، نشانیدند (نشانده‌اند)	۵ لَا تُجْلِسِي: نشان ۷ سَيَجْلِسُ: خواهد نشانند، خواهد نشانید
ج) عَلِمَ: دانست	۸ قَدْ عَلِمْتُ: دانسته‌ای (دانستی) ۱۰ اِعْلَمْ: بدان	۹ لَمْ اَعْلَمْ: ندانستم (ندانسته‌ام) ۱۱ لَا يَعْلَمُ: نمی‌داند
د) عَلَّمَ: یاد داد	۱۲ قَدْ يُعَلِّمُ: گاهی یاد می‌دهد (شاید یاد بدهد) ۱۴ اُعَلِّمُ: یاد می‌دهم	۱۳ لَنْ يُعَلِّمَ: یاد نخواهد داد ۱۵ لِيُعَلِّمَ: باید یاد بدهد
ه) قَطَعَ: بُرید	۱۶ قُطِعَ: بریده شد ۱۸ لَا تَقْطَعُ: نَبْر	۱۷ كَانَا يَقْطَعَانِ: می‌بریدند
و) اِنْقَطَعَ: بُریده شد	۱۹ مَا اِنْقَطَعَ: بریده نشد ۲۱ اِلِاقِطَاعِ: بریده شدن	۲۰ سَيَنْقَطِعُ: بریده خواهد شد ۲۲ لَنْ يَنْقَطِعَ: بریده نخواهد شد
ز) عَفَرَ: آمرزید	۲۳ قَدْ عَفَرَ: آمرزیده است (آمرزید)	۲۴ لَا يُعْفَرُ: آمرزیده نمی‌شود
ح) اِسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست	۲۵ قَدْ اِسْتَعْفَرْتُمْ: آمرزش خواسته‌اید (آمرزش خواستید) ۲۷ لَا يَسْتَعْفِرُونَ: آمرزش نمی‌خواهند	۲۶ اِلِاسْتِعْفَارِ: آمرزش خواستن ۲۸ اَسْتَعْفِرُوا: آمرزش می‌خواهم

### نکات ترجمه

۱ فعل ماضی ساده	۱۵ لِ (امر) + فعل مضارع (يُعَلِّمُ) ← باید + مضارع التزامی
۲ «لا» ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تَجْلِسُوا) ← نهی	۱۶ فعل ماضی مجهول
۳ فعل امر صیغه جمع مؤنث مخاطب	۱۷ کانا + فعل مضارع (يَقْطَعَانِ) ← ماضی استمراری
۴ فعل امر از باب «إفعال»	۱۸ «لا» ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تَقْطَعُ) ← نهی
۵ «لا» ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تُجْلِسِي) ← نهی	۱۹ ما + فعل ماضی (اِنْقَطَعَ) ← ماضی منفی
۶ کم + فعل مضارع تغییر یافته (يُجْلِسُوا) ← ماضی منفی - ماضی نقلی منفی	۲۰ س + فعل مضارع (يَنْقَطِعُ) ← مستقبل
۷ س + فعل مضارع (يُجْلِسُ) ← مستقبل	۲۱ مصدر باب «إنفعال»
۸ قَدْ + فعل ماضی (عَلِمْتُ) ← ماضی نقلی یا ساده	۲۲ لَنْ + فعل مضارع (يَنْقَطِعُ) ← مستقبل منفی
۹ کم + فعل مضارع تغییر یافته (أَعْلَمُ) ← ماضی منفی - ماضی نقلی منفی	۲۳ قَدْ + فعل ماضی (عَفَرَ) ← ماضی نقلی یا ساده
۱۰ فعل امر از صیغه مفرد مذکر مخاطب	۲۴ «لا» ی نهی + فعل مضارع مجهول (يُعْفَرُ) ← مضارع منفی مجهول
۱۱ «لا» ی نهی + فعل مضارع (يُعَلِّمُ) ← مضارع منفی	۲۵ قَدْ + فعل ماضی (اِسْتَعْفَرْتُمْ) ← ماضی نقلی یا ساده
۱۲ قَدْ + فعل مضارع (يُعَلِّمُ) ← فعل مضارع با «گاهی» یا «شاید» ترجمه می‌شود.	۲۶ مصدر باب «إشفعال»
۱۳ لَنْ + فعل مضارع (يُعَلِّمُ) ← مستقبل منفی	۲۷ «لا» ی نهی + فعل مضارع (يَسْتَعْفِرُونَ) ← مضارع منفی
۱۴ فعل مضارع متکلم وحده	۲۸ فعل مضارع صیغه متکلم وحده



الدَّرْسُ الثَّانِي | التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

الف) كَتَبَ: نوشت	<p>۱ قَدْ كُتِبَ التَّمْرِينُ: تمرین نوشته شد.</p> <p>۲ لِمَ لَا تَكْتُبِينَ دَرَسَكَ؟ چرا درست را نمی نویسی؟</p> <p>۳ لَمْ تَكْتُبِي شَيْئاً: چیزی را ننوشتی (ننوشته ای)</p>
ب) تَكَاتَبَ: نامه نگاری کرد	<p>۴ اَلصَّدِيقَانِ تَكَاتَبَا: دو دوست با یکدیگر نامه نگاری کردند.</p> <p>۵ رَجَاءٌ تَكَاتَبَا: لطفاً با یکدیگر نامه نگاری کنید.</p> <p>۶ تَكَاتَبَ الرَّمِيلَانِ: دو همکلاسی با یکدیگر نامه نگاری کردند.</p>
ج) مَنَعَ: بازداشت، منع کرد	<p>۷ مُنِعْتُ عَنِ الْمَوَادِّ السُّكَّرِيَّةِ: از مواد قندی منع شدم.</p> <p>۸ لَا تَمْتَنِعْنَا عَنِ الْخُرُوجِ: ما را از بیرون رفتن منع نکن (باز ندار).</p>
د) اِمْتَنَعَ: خودداری کرد	<p>۹ لَنْ نَمْتَنِعَ عَنِ الْخُرُوجِ: از بیرون رفتن خودداری نخواهیم کرد.</p> <p>۱۰ لَا تَمْتَنِعُوا عَنِ الْأَكْلِ: از خوردن خودداری نکنید.</p> <p>۱۱ كَانَ الْحَارِشُ قَدْ اِمْتَنَعَ عَنِ التَّوَمِ: نگهبان از خواب خودداری کرده بود.</p>
هـ) عَمِلَ: کار کرد، عمل کرد	<p>۱۲ لِمَ مَا عَمِلْتُمْ يَوْجِبَانِكُمْ؟ چرا به وظایفتان عمل نکردید؟</p> <p>۱۳ أَتَعْمَلُونَ فِي الْمَصْنَعِ؟ آیا در کارخانه کار می کنید؟</p>
و) عَامَلَ: رفتار کرد	<p>۱۴ إِلَهِي، عَامِلْنَا بِفَضْلِكَ! خدایا! با بخشش خود با ما رفتار کن.</p> <p>۱۵ إِلَهِي، لَا تُعَامِلْنَا بِعَدْلِكَ! خدایا! با دادگری ات با ما رفتار نکن.</p> <p>۱۶ كَانُوا يُعَامِلُونَنَا جَيِّدًا: به خوبی با ما رفتار می کردند.</p>
ز) ذَكَرَ: یاد کرد	<p>۱۷ قَدْ ذَكَرَ الْمُؤْمِنُ رَبَّهُ: مؤمن پروردگارش را یاد کرده است. (یاد کرد)</p> <p>۱۸ ذُكِرْتَ بِالْحَيْرِ: به نیکی یاد شدی.</p> <p>۱۹ قَدْ يَذْكُرُ الْأُسْتَاذُ تَلَامِيذَهُ الْقَدَمَاءَ: گاهی استاد دانش آموزان قدیمش را یاد می کند. (شاید ... یاد بکند)</p>
ح) تَذَكَّرَ: به یاد آورد	<p>۲۰ جَدِّي وَ جَدَّتِي تَذَكَّرَانِي: پدربزرگ و مادربزرگ مرا به یاد آوردند.</p> <p>۲۱ سَيَتَذَكَّرُنَا الْمُدَرِّسُ: معلم ما را به یاد خواهد آورد.</p> <p>۲۲ لَا أَتَذَكَّرُكَ يَا زَمِيلِي: همکلاسی ام، تو را به یاد نمی آورم.</p>

نکات ترجمه

۱ قَدْ + فعل ماضی مجهول (كُتِبَ) ← ماضی نقلی مجهول	۱۲ ما + فعل ماضی (عَمِلْتُمْ) ← ماضی منفی
۲ «لا» ی نفی + فعل مضارع (تَكْتُبِينَ) ← مضارع منفی	۱۳ «تَعْمَلُونَ» فعل مضارع جمع مذکر مخاطب است.
۳ لَمْ + فعل مضارع تغییر یافته (تَكْتُبِي) ← ماضی منفی - ماضی نقلی منفی	۱۴ «عَامِلٌ» فعل امر از باب «مُفَاعَلَةٌ» است.
۴ «تَكَاتَبَا» فعل ماضی از باب «تَفَاعُلٌ» است.	۱۵ «لا» ی نفی + فعل تغییر یافته مضارع (تُعَامِلُ) ← نفی
۵ «تَكَاتَبَا» فعل امر از باب «تَفَاعُلٌ» است.	۱۶ كانوا + فعل مضارع (يُعَامِلُونَ) ← ماضی استمراری
۶ «تَكَاتَبَ» فعل ماضی از باب «تَفَاعُلٌ» است.	۱۷ قَدْ + فعل ماضی (ذَكَرَ) ← ماضی نقلی یا ساده
۷ «مُنِعْتُ» فعل ماضی مجهول است.	۱۸ «ذُكِرْتَ» فعل ماضی مجهول است.
۸ «لا» ی نفی + فعل مضارع تغییر یافته (تَمْتَنِعُ) ← نفی	۱۹ قَدْ + فعل مضارع (يَذْكُرُ) ← فعل مضارع با «گاهی» یا «شاید» ترجمه می شود.
۹ لَنْ + فعل مضارع (تَمْتَنِعُ) ← مستقبل منفی	۲۰ فعل ماضی از باب «تَفَعُّلٌ» + ن (وقایه) + ضمیر متصل «ی»
۱۰ «لا» ی نفی + فعل مضارع تغییر یافته (تَمْتَنِعُوا) ← نفی	۲۱ سَ + فعل مضارع (يَتَذَكَّرُ) ← مستقبل
۱۱ كَانَ + (قَدْ) + فعل ماضی (اِمْتَنَعَ) ← ماضی بعید	۲۲ «لا» ی نفی + فعل مضارع (أَتَذَكَّرُ) ← مضارع منفی

الدَّرْسُ الثَّلَاثُ التَّمْرِينُ السَّادِسُ

الف) عَلِمَ: دانست	۱ سَيَعْلَمُونَ: خواهند دانست
ب) اِنْتَقَلَ: جابه‌جا شد	۲ لَا يَنْتَقِلُ: جابه‌جا نمی‌شود
ج) أَرْسَلَ: فرستاد	۳ رَجَاءً، اِنْتَقِلُوا: لطفاً جابه‌جا شوید
د) عَبَدَ: پرستید	۴ لَنْ يَنْتَقِلَ: جابه‌جا نخواهد شد
ه) سَاعَدَ: کمک کرد	۵ لَا تُرْسِلُ: نفرست
و) طَبَخَ: پخت	۶ أُرْسِلُ: بفرست
ز) تَكَلَّمَ: سخن گفت	۷ أُعْبِدُونِي: مرا پرستید
	۸ رَجَاءً، سَاعِدُونِي: لطفاً به من کمک کنید
	۹ هُمْ سَاعِدُونِي: آنها به من کمک کردند
	۱۰ طَبَخَ: پخته شد
	۱۱ اَلتَّكَلَّمَ: سخن گفتن
	۱۲ تَتَكَلَّمُ: سخن می‌گوییم
	۱۳ تَكَلَّمْنَا: سخن گفتیم

نکات ترجمه

۱ س + فعل مضارع (يَعْلَمُونَ) ← مستقبل	۸ فعل امر (سَاعِدُوا) + ن (وقایه) + ضمیر متصل «ی»
۲ «لا» ی نفی + فعل مضارع (يَنْتَقِلُ) ← مضارع منفی	۹ فعل ماضی (سَاعَدُوا) + ن (وقایه) + ضمیر متصل «ی»
۳ فعل امر از باب «إِفْتِعَال» ← صیغه جمع مذکر مخاطب	۱۰ فعل ماضی مجهول
۴ لَنْ + فعل مضارع (يَنْتَقِلُ) ← مستقبل منفی	۱۱ مصدر باب «تَفَعَّل»
۵ «لا» ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تُرْسِلُ) ← نهی	۱۲ فعل مضارع، متکلم مع الغیر باب «تَفَعَّل»
۶ فعل امر از باب «إِفْعَال» صیغه مفرد مذکر مخاطب	۱۳ فعل ماضی، متکلم مع الغیر باب «تَفَعَّل»
۷ فعل امر (أُعْبِدُوا) + ن (وقایه) + ضمیر متصل «ی»	

الدَّرْسُ الرَّابِعُ التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

۱ مضارع تَدَكَّرَ (به یاد آورد):	یُدَكِّرُ	یَدَكِّرُ
۲ مصدر عَلَّمَ (یاد داد):	تَعْلِمُ	تُعَلِّمُ
۳ ماضی مُجَالَسَة (همنشینی کردن):	أَجْلَسَ	جَالَسَ
۴ مصدر اِنْقَطَعَ (بریده شد):	اِنْقِطَاعُ	اِنْفِئَالُ
۵ امر تَقَرَّبَ (نزدیک شد):	قَرَّبْ	اِقْتَرِبْ
۶ مضارع تَقَاعَدَ (بازنشست شد):	يَتَقَاعَدُ	يُقَاعِدُ
۷ امر تَمْتَنِعُ (خودداری می‌کنی):	اِمْتَنِعْ	اِمْتَنِعْ
۸ ماضی يَسْتَخْرِجُ (خارج می‌کند):	اِسْتَخْرَجَ	اِسْتَخْرَجَ
۹ وزن اِسْتَمَعَ:	اِسْتَمَعَلْ	اِسْتَمَعَلْ
۱۰ وزن اِنْتَظَرَ:	اِنْتَظَرْ	اِنْتَظَرْ

پاسخ

۱ «تَدَكَّرَ» ماضی باب «تَفَعَّل» است و مضارع آن بر وزن «يَفْعَلُ» و به صورت «يَدَكِّرُ» می‌آید. ✓	۶ «تَقَاعَدَ» ماضی باب «تَفَاعَل» بوده و مضارع آن بر وزن «يَفْعَالُ» و به صورت «يَتَقَاعَدُ» است. ✓
۲ «عَلَّمَ» ماضی باب «تَفَعَّل» بوده و مصدر آن بر وزن «تَفَعَّل» و به صورت «تَعْلِمُ» می‌آید. ✓	۷ «تَمْتَنِعُ» مضارع باب «إِفْتِعَال» بوده و امر آن بر وزن «إِفْتَعِلْ» و به صورت «اِمْتَنِعْ» می‌آید. ✓
۳ «مُجَالَسَة» مصدر باب «مُفَاعَلَة» بوده و ماضی آن بر وزن «فَاعَلْ» و به صورت «جَالَسَ» می‌آید. ✓	۸ «يَسْتَخْرِجُ» مضارع باب «اِسْتِفْعَال» بوده و ماضی آن به صورت «اِسْتَخْرَجَ» می‌آید. ✓
۴ «اِنْقَطَعَ» ماضی باب «اِنْفِئَال» بوده و مصدر آن به صورت «اِنْقِطَاع» است. ✓	۹ «اِسْتَمَعَ» بر وزن «اِفْتَعَلْ» از باب «إِفْتِعَال» و به معنای «گوش فرا داد» است. ✓
۵ «تَقَرَّبَ» ماضی باب «تَفَعَّل» بوده و امر آن بر وزن «تَفَعَّلْ» و به صورت «تَقَرَّبْ» می‌آید. ✓	۱۰ «اِنْتَظَرَ» بر وزن «اِفْتَعَلْ» از باب «إِفْتِعَال» و به معنای «انتظار کشید، منتظر شد» است. ✓

## قسمت

# سوالات امتحانی ترکیبی

### الف دی ماه ۱۴۰۱ (۲ نمره)

#### تعلّم: یاد گرفت

- ۱ رجاءَ تَعَلَّمُوا الْعَرَبِيَّةَ. ۲ التَّلَامِيذُ قَدْ تَعَلَّمُوا اللُّغَةَ الْفَرَنْسِيَّةَ. ۳ الكَسْلَانُ لَمْ يَتَعَلَّمِ الدَّرْسَ.

#### سَاعَدَ: کمک کرد

- ۴ الطَّلَابُ سَاعَدُونِي. ۵ الْأَعْيَاءُ لِيُسَاعِدُوا الْفُقَرَاءَ. ۶ سَأَسَاعِدُ صَدِيقِي فِي أَدَاءِ وَاجِبَاتِهِ.

#### كَتَبَ: نوشت

- ۷ الْأَطْفَالُ لَا يَكْتُبُوا عَلَى الْأَشْجَارِ. ۸ التُّلَمِيذَاتُ كُنَّ قَدْ كَتَبْنَ دُرُوسَهُنَّ.

### ب شهریور ماه ۱۴۰۱ (۲ نمره)

#### إِسْتَعَانَ: یاری جست

- ۹ «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» ۱۰ «...إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» ۱۱ لَا تَسْتَعِينُوا إِلَّا بِاللَّهِ.

#### رَخَّصَ: ارزان شد

- ۱۲ الْأَدَبُ لَنْ يَرُخَّصَ إِذَا كَثُرَ. ۱۳ أَشْعَارُ الْبَضَائِعِ كَانَتْ قَدْ رَخَّصَتْ بَعْدَ التَّخْفِيفِ.

#### صَلَّحَ: تعمیر کرد

- ۱۴ أَنَا فِي مَوْقِفٍ تَصْلِيحِ الْحَافِلَاتِ. ۱۵ هُوَ لَمْ يُصَلِّحْ جَرَارَتَهُ. ۱۶ كَانُوا يُصَلِّحُونَ السَّيَّارَةَ.

### ج خرداد ماه ۱۴۰۱ (۲ نمره)

#### تَقَرَّبَ: نزدیک شد

- ۱۷ سَيَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ. ۱۸ هُمْ يَتَقَرَّبُونَ إِلَى الْخَيْرَاتِ. ۱۹ لَنْ نَتَقَرَّبَ إِلَى الذَّنْبِ.

#### أُرْسِلَ: فرستاد

- ۲۰ لَا تُرْسِلْ رِسَالَةً. ۲۱ لَمْ يُرْسِلُوا وَاجِبَاتِهِمْ. ۲۲ هُوَ قَدْ أُرْسِلَ الْخَبَرَ.

#### إِمْتَنَعَ: خودداری کرد

- ۲۳ الطَّالِبُ كَانَ يَمْتَنِعُ عَنِ النَّوْمِ. ۲۴ مِنْ فَضْلِكَ إِمْتَنِعْ عَنِ الْأَكْلِ.

د دی ماه ۱۴۰۰ (۲ نمره)

- عَفَرَ: آمرزید
- ۲۵ لا يُعْفِرُ الْمُخْطِئُ.
- ۲۶ قَدْ عَفَرَ اللهُ عَبْدَهُ.
- تَذَكَّرَ: به یاد آورد
- ۲۷ ما تَذَكَّرْتُمْ صَدِيقَكُمْ.
- ۲۸ سَتَتَذَكَّرُ الدَّرْسَ.
- ۲۹ لَيَتَذَكَّرُ دَرْسَهُ.
- سَاعَدَ: کمک کرد
- ۳۰ لَنْ أَسَاعِدَهُمْ فِي الذَّنْبِ.
- ۳۱ هُمْ لَمْ يُسَاعِدُوا.
- ۳۲ رَجَاءٌ! سَاعِدْنِي.

ه شهریور ماه ۱۴۰۰ (۲ نمره)

- خَرَجَ: خارج شد
- ۳۳ لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الْبَيْتِ.
- ۳۴ لا تَخْرُجُوا مِنَ الصَّفِّ.
- ۳۵ هُوَ قَدْ خَرَجَ مِنَ الْمَدْرَسَةِ.
- دَكَرَ: یاد کرد
- ۳۶ أَذْكَرُوا رَبَّكُمْ.
- ۳۷ قَدْ يَذْكَرُ جَدِّي صَدِيقَهُ.
- ۳۸ أَنْتُمْ مَا دَكَرْتُمْ صَدِيقَكُمْ.
- أَرْسَلَ: فرستاد
- ۳۹ لِيُرْسِلَ جَوَابَهُ.
- ۴۰ هُمْ يُرْسِلُونَ الْخَبَرَ.

و خرداد ماه ۱۴۰۰ (۲ نمره)

- اجْتَهَدَ: تلاش کرد
- ۴۱ لَمْ يَجْتَهِدْ فِي عَمَلِهِ.
- ۴۲ هُوَ قَدْ يَجْتَهِدُ.
- ۴۳ مِنْ فَضْلِكُمْ اجْتَهِدُوا.
- سَتَرَ: پوشاند
- ۴۴ كَانَ قَدْ سَتَرَ عَلَيَّ وَجْهَهُ.
- ۴۵ مَا سَتَرَ وَجْهَهُ.
- جَلَسَ: نشست
- ۴۶ كَانَ يَجْلِسُ عَلَى الْأَرْضِ.
- ۴۷ هُمْ سَوْفَ يَجْلِسُونَ.
- ۴۸ هِيَ جَلَسَتْ هُنَاكَ.

ز دی ماه ۱۳۹۹ (۲ نمره)

- تَقَرَّبَ: نزدیک شد
- ۴۹ لَنْ يَتَقَرَّبَ
- ۵۰ لا تَتَقَرَّبُوا
- ۵۱ كَانَ يَتَقَرَّبُ
- أَرْسَلَ: فرستاد
- ۵۲ مَا أَرْسَلَ
- ۵۳ أَرْسَلَ
- ۵۴ لِيُرْسِلَ
- خَلَقَ: آفرید
- ۵۵ خُلِقَ
- ۵۶ يَخْلُقُونَ

ترجمة فعل

پاسخ بخش اول

- ۱ یاد بگیرید (فعل امر از باب «تَفَعَّلُ»)
- ۲ گاهی یاد می‌گیرند (شاید یاد بگیرند) (قَدْ + فعل مضارع (يَتَعَلَّمُونَ) ← فعل مضارع با «گاهی» یا «شاید» ترجمه می‌شود.)
- ۳ یاد نگرفت (یاد نگرفته است)
- ۴ لم + فعل مضارع تغییر یافته (يَتَعَلَّمُ) ← ماضی منفی (ساده - نقلی) به من کمک کردند
- ۵ فعل ماضی (ساعَدُوا) + ن (وقایه) + ضمیر متصل «ی»
- ۶ باید کمک کنند (لِ (امر) + فعل مضارع (يُسَاعِدُوا) ← باید + مضارع التزامی)
- ۷ کمک خواهم کرد (سَ + فعل مضارع (أُسَاعِدُ) ← مستقبل)
- ۸ نباید بنویسند
- ۹ «لا»ی نهی + فعل مضارع غایب (يَكْتُبُوا) ← نباید + مضارع التزامی
- ۱۰ نوشته بودند (كُنْ + (قَدْ) + فعل ماضی (كَتَبْتَ) ← ماضی بعید)
- ۱۱ یاری بجویید (فعل امر باب «اِسْتِفْعَالُ» (عَوْنٌ)، جمع مذكر مخاطب)
- ۱۰ یاری می‌جوییم (فعل مضارع، متكلم مع الغير باب «اِسْتِفْعَالُ»)
- ۱۱ یاری نجوید («لا»ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تَسْتَعِينُوا) ← نهی)
- ۱۲ ارزان نخواهد شد (لَنْ + فعل مضارع (يُرَخَّصُ) ← مستقبل منفی)
- ۱۳ ارزان شده بود (كَانَتْ + (قَدْ) + فعل ماضی (رَخَّصْتُ) ← ماضی بعید)
- ۱۴ تعمیر کردن (مصدر باب «تَفْعِيلُ»)
- ۱۵ تعمیر نکرد (تعمیر نکرده است)
- ۱۶ لم + فعل مضارع تغییر یافته (يُضَلِّخُ) ← ماضی منفی (ساده - نقلی)
- ۱۶ تعمیر می‌کردند (كانوا + فعل مضارع (يُضَلِّحُونَ) ← ماضی استمراری)
- ۱۷ نزدیک خواهد شد (سَ + فعل مضارع (يَتَقَرَّبُ) ← مستقبل)
- ۱۸ نزدیک می‌شوند (فعل مضارع، جمع مذكر غایب، باب «تَفَعَّلُ»)
- ۱۹ نزدیک نخواهیم شد (لَنْ + فعل مضارع (تَتَقَرَّبُ) ← مستقبل منفی)
- ۲۰ نفرست («لا»ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تُرْسِلُ) ← نهی)
- ۲۱ نفرستادند (نفرستاده‌اند)
- ۲۲ لم + فعل مضارع تغییر یافته (يُرْسِلُوا) ← ماضی منفی (ساده - نقلی)
- ۲۲ فرستاده است (فرستاد) (قَدْ + فعل ماضی (أُرْسِلُ) ← ماضی نقلی یا ساده)
- ۲۳ خودداری می‌کرد (كَانَ + فعل مضارع (يَمْتَنِعُ) ← ماضی استمراری)
- ۲۴ خودداری کن (فعل امر باب «اِفْتِعَالُ»، مفرد مذكر مخاطب)
- ۲۵ آموخته نمی‌شود
- ۲۶ «لا»ی نفی + فعل مضارع (يُعَفَّرُ) ← مضارع منفی مجهول
- ۲۶ آموخته است (آموزید) (قَدْ + فعل ماضی (عَفَّرَ) ← ماضی نقلی یا ساده)
- ۲۷ به یاد نیاوردید (ما + فعل ماضی (تَذَكَّرْتُمْ) ← ماضی منفی)
- ۲۸ به یاد خواهیم آورد (سَ + فعل مضارع (تَتَذَكَّرُ) ← مستقبل)
- ۲۹ باید به یاد آورد (بِأَوْرَدَ)
- ۳۰ کمک نخواهم کرد (لَنْ + فعل مضارع (أُسَاعِدُ) ← مستقبل منفی)
- ۳۱ کمک نکردند (کمک نکرده‌اند)
- ۳۲ لم + فعل مضارع تغییر یافته (يُسَاعِدُوا) ← ماضی منفی (ساده - نقلی) به من (مرا) کمک کن
- ۳۳ فعل امر (سَاعِدْ) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل) خارج نشد (خارج نشده است)
- ۳۴ لم + فعل مضارع تغییر یافته (يَخْرُجُ) ← ماضی منفی (ساده - نقلی)
- ۳۴ خارج نشوید («لا»ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تَخْرُجُوا) ← نهی)
- ۳۵ خارج شده است (خارج شد)
- ۳۶ قَدْ + فعل ماضی (خَرَجَ) ← ماضی نقلی یا ساده
- ۳۶ یاد کنید (فعل امر صيغه جمع مذكر مخاطب)
- ۳۷ گاهی یاد می‌کند (شاید یاد کند) (قَدْ + فعل مضارع (يَذْكُرُ) ← فعل مضارع با «گاهی» یا «شاید» ترجمه می‌شود.)
- ۳۸ یاد نکردید (ما + فعل ماضی (ذَكَرْتُمْ) ← ماضی منفی)
- ۳۹ باید بفرستد
- ۴۰ لِ (امر) + فعل مضارع تغییر یافته (يُرْسِلُ) ← باید + مضارع التزامی
- ۴۰ می‌فرستند (فعل مضارع، صيغه جمع مذكر غایب)
- ۴۱ تلاش نکرد (تلاش نکرده است)
- ۴۲ لم + فعل مضارع تغییر یافته (يَجْتَهِدُ) ← ماضی منفی (ساده - نقلی)
- ۴۲ گاهی تلاش می‌کند (شاید تلاش کند) (قَدْ + فعل مضارع (يَجْتَهِدُ) ← فعل مضارع با «گاهی» یا «شاید» ترجمه می‌شود.)
- ۴۳ تلاش کنید (فعل امر در صيغه جمع مذكر مخاطب از باب «اِفْتِعَالُ» / «اِجْتِهَدُوا: تلاش کردند» (ماضی))
- ۴۴ پوشانده بود (كَانَ + (قَدْ) + فعل ماضی (سَتَرْتُ) ← ماضی بعید)
- ۴۵ نپوشاند (ما + فعل ماضی (سَتَرْتُ) ← ماضی منفی)
- ۴۶ می‌نشست (كَانَ + فعل مضارع (يَجْلِسُ) ← ماضی استمراری)
- ۴۷ خواهند نشست (سَوْفَ + فعل مضارع (يَجْلِسُونَ) ← مستقبل)
- ۴۸ نشست (فعل ماضی، مفرد مؤنث غایب)
- ۴۹ نزدیک خواهد شد (لَنْ + فعل مضارع (يَتَقَرَّبُ) ← مستقبل منفی)
- ۵۰ نزدیک نشوید
- «لا»ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تَتَقَرَّبُوا) ← نهی
- ۵۱ نزدیک می‌شد (كَانَ + فعل مضارع (يَتَقَرَّبُ) ← ماضی استمراری)
- ۵۲ نفرستاد (ما + فعل ماضی (أُرْسِلُ) ← ماضی منفی)
- ۵۳ بفرست (فعل امر از باب «اِفْعَالُ» صيغه مفرد مذكر مخاطب)
- ۵۴ باید بفرستد (لِ (امر) + فعل مضارع (يُرْسِلُ) ← باید + مضارع التزامی)
- ۵۵ آفریده شد (فعل ماضی مجهول)
- ۵۶ می‌آفرینند (فعل مضارع، جمع مذكر غایب از ثلاثی مجرد)

بخش ۵	بخش ۴	بخش ۳	بخش ۲	بخش ۱
۱/۷۵ نمره	۲/۲۵ نمره	۵ نمره	۱۰ نمره	۲ نمره

# ترجمه و درک مطلب

۵/۰ نمره

انتخاب گزینه  
درست در  
ترجمه جمله



۷/۵ نمره

ترجمه جملات  
کتاب از عربی  
به فارسی



۱ نمره

درک مطلب یا  
صحیح و غلط



۱ نمره

تکمیل ترجمه ناقص



بخش ۵	بخش ۴	بخش ۳	بخش ۲	بخش ۱
۷۵/نمره	۲۵/نمره	۵ نمره	۱۰ نمره	۲ نمره

# واژگان

نوشتن مفرد یا  
جمع اسم

۵/نمره  
مترادف و متضاد



۲۵/نمره



۱ نمره

نوشتن معنای چهار کلمه  
داخل جمله از عربی به  
فارسی



۱ نمره  
پر کردن جاهای  
خالی با کلمات مناسب  
یا توضیح کلمات



۲ نمره  
تشخیص و ترجمه  
اسم فاعل، مفعول،  
مبالغه، مکان و  
تفضیل



۲۵/نمره  
تشخیص کلمه  
ناهماهنگ از نظر معنا



بخش ۵	بخش ۴	بخش ۳	بخش ۲	بخش ۱
نمره ۱/۷۵	نمره ۱/۲۵	نمره ۵	نمره ۱۰	نمره ۲

# قواعد

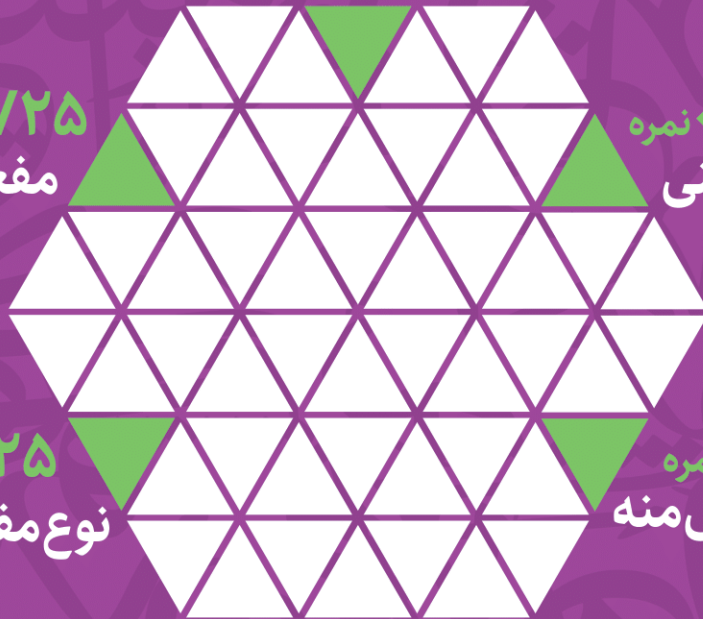
نمره ۱/۲۵  
حال

نمره ۱/۲۵  
مفعول مطلق

نمره ۱/۲۵  
مستثنی

نمره ۱/۲۵  
نوع مفعول مطلق

نمره ۱/۲۵  
مستثنی منه





بخش ۵	بخش ۴	بخش ۳	بخش ۲	بخش ۱
نمره ۱/۷۵	نمره ۱/۲۵	نمره ۵	نمره ۱۰	نمره ۲

# تحلیل صرفی و محل اعرابی

